

بررسی رابطه احساس محرومیت نسبی و بزهکاری نوجوانان (مطالعه تطبیقی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرهای خرم‌آباد و یزد)

سهیلا کردعلیوند^۱محمد مبارکی^{۲*}

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۲۱

چکیده

این مقاله به بررسی رابطه احساس محرومیت نسبی و بزهکاری در بین دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرهای خرم‌آباد و یزد می‌پردازد و درصدد بررسی مکانیسم‌های تأثیرگذار احساس محرومیت نسبی بر بزهکاری نوجوانان است. چارچوب مفهومی این تحقیق شامل دیدگاه ساختارگرایی اجتماعی، دیدگاه فرآیندهای اجتماعی و دیدگاه تضاد است. برای این منظور با استفاده از روش پیمایش ۴۰۲ نفر از دانش‌آموزان سال اول و سوم دبیرستان‌های (دوره متوسطه دوم) شهرهای خرم‌آباد و یزد در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران به‌دست‌آمده و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بوده است. میزان پایایی پرسش‌ها با ضریب آلفای کرونباخ تعیین شده است و اعتبار تحقیق از نوع اعتبار محتوایی است. داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از نرم‌افزارهای Amos و Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد که متغیرهای احساس محرومیت نسبی و بزهکاری بین پاسخگویان شهر یزد رابطه معناداری داشته است. در صورتی که این رابطه در بین پاسخگویان شهر خرم‌آباد غیر معنادار بوده است. همچنین نتایج حاصل از رگرسیون نشان داده است متغیرهای غضب اخلاقی و آنومی بیشترین تأثیر را در تبیین متغیر بزهکاری در میان پاسخگویان شهر خرم‌آباد و یزد داشته‌اند. به طوری که به ترتیب ۳۳/۷ درصد و ۴۲/۹ درصد از تغییرات متغیر میزان بزهکاری را به تفکیک هر شهر مورد تبیین قرار داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: احساس محرومیت نسبی، بزهکاری، غضب اخلاقی، تعهد هنجاری، احساس آنومی، نارضایتی، کنترل اجتماعی غیررسمی.

۱- کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه یزد

۲- استادیار تعاون و رفاه اجتماعی دانشگاه یزد

* نویسنده مسئول

۱. مقدمه و بیان مسئله

نوجوانی دوره‌ای از رشد است که مانند سایر دوره‌های زندگی دارای اختلال‌های خاص خود است که از نظر شدت تأثیرگذاری و نوع آسیب با یکدیگر متفاوت هستند. یکی از این آسیب‌ها بزهکاری است که از جمله عواملی که بر روی آن تأثیر دارد و با یکدیگر رابطه تنگاتنگی دارند، احساس محرومیت نسبی است. احساس محرومیت نسبی وضعیتی است که فرد نوجوان نه تنها موقعیت اقتصادی خود را با گروه مرجعی که در آن زندگی می‌کند مقایسه می‌کند بلکه به مقایسه‌ی دیگر استانداردهای زندگی نیز می‌پردازد. در نتیجه‌ی این مقایسه نوجوان احساس می‌کند برای به دست آوردن فرصت نسبت به دیگران محروم است، این احساس محرومیت به احساس بی‌عدالتی و نارضایتی منجر گردیده و بی‌اعتمادی را در نوجوانان پرورش می‌دهد در نتیجه شانس پیشرفت آن‌ها از طریق معیارهای مشروع مسدود گردیده و احساس ناتوانی را به وجود می‌آورد. به این ترتیب، احساس ناتوانی و ناامیدی به دنبال خود، احساس خشم، برآشفستگی و نارضایتی را در نوجوانان به وجود می‌آورد که می‌تواند به رفتارهای انحرافی و بزهکاری منجر گردد.

آمارهای انتشار یافته نشان می‌دهد که علیرغم بهبود وضع زندگی و معیشتی و ازدیاد سریع مؤسسات و خدمات اجتماعی در اکثر کشورهای جهان، جرایم ارتكابی با سرعت بیشتری افزایش یافته است و با توجه به خسارات مادی و غیرمادی بزهکاری این مسئله همواره یکی از موضوعات مورد توجه محققان بوده است. بر اساس آخرین اطلاعات در وبسایت مرکز مطالعات بین‌المللی زندان‌های جهان^۱ در سال ۲۰۱۷، آمار جرایم زیر ۲۰ سال برای ۱۲۵ کشور از قاره‌های آفریقا، آمریکا، آسیا، اروپا و اقیانوسیه اعلام شده است. از نظر تعداد بیشترین آمار مربوط به جرایم زیر بیست سال را پنج کشور ونزوئلا (۸۵/۲۸)، گینه نو (۸۲/۳۸)، هندوراس (۷۸/۳۴)، سودان جنوبی (۷۸/۱۸) و آفریقای جنوبی (۷۵/۷۲) به خود اختصاص داده‌اند. پایین‌ترین آمار منتشر شده به ترتیب مربوط به کشورهای قطر (۱۵/۷۰)، سنگاپور (۱۶/۵۸)، تایوان (۱۷/۲۴)، اتریش (۱۹/۲۵) و امارات متحده عربی (۲۰/۶۶) است. کشور ایران با نرخ (۵۰/۹۰) رتبه ۴۳ را در بین ۱۲۵ کشور به خود اختصاص داده است. همچنین تعداد افرادی که در کانون اصلاح و تربیت شهر خرم‌آباد تا سال ۱۳۸۹ نگهداری می‌شدند ۱۶ تا ۲۵ نفر و در سال ۱۳۹۵ بین ۳۵ تا ۴۰ نفر می‌باشند که روند افزایشی بزهکاری را نشان می‌دهد. طبق آمار رسمی اعلام شده توسط وزیر کشور در سال ۱۳۹۳، ۵۲ درصد از بزهکاری‌ها به

1. www.prisonstudies.org

موضوع مواد مخدر برمی‌گردد. همچنین، در پژوهشی که در سال ۱۳۹۰ در کانون اصلاح و تربیت شهر یزد بر روی ۲۰۶ نفر از بزهکاران انجام شده بود، نتایج نشان داد که ۴۴/۷ درصد از نوجوانان مرتکب جرائم مواد مخدر شده‌اند (آلبو کردی، ۱۳۸۹: ۱۶۷؛ کانون اصلاح و تربیت خرم‌آباد، ۱۳۹۵؛ عربی، ۱۳۹۵: ۱۰؛ مهدی پور خراسانی، ۱۳۹۰: ۸۱).

با توجه به افزایش میزان جرائم و کجروی در جامعه امروزی، هدف پژوهش حاضر، تحلیل رابطه بین احساس محرومیت نسبی و بزهکاری نوجوانان در شهرهای خرم‌آباد و یزد است. چرا که با توجه به مطالعات گذشته و آمارهای حاصل شده، جمعیت ایران جمعیتی جوان است و شهرستان خرم‌آباد از جمله مناطق محروم این کشور است که با توجه به شواهد و داده‌ها نرخ بزهکاری بالایی دارد. همچنین شواهد حاکی از آن است که شهر یزد، شهری با پتانسیل‌های صنعتی و رشد اقتصادی بالا است. لذا در این تحقیق به بررسی رابطه‌ی احساس محرومیت نسبی و بزهکاری نوجوانان پرداخته خواهد شد. بدین منظور در این تحقیق سعی شده است تا بررسی شود که احساس محرومیت نسبی چیست؟ و اینکه چه عواملی دست‌به‌دست هم می‌دهند تا احساس محرومیت نسبی باعث ایجاد رفتارهای بزهکارانه شود؟

۲. واکاوی ادبیات تجربی و نظری

در این قسمت برای درک بهتر مفاهیم احساس محرومیت نسبی و بزهکاری، ابتدا اقدام به تعریف این مفاهیم نموده و سپس به بررسی ادبیات تجربی و نظری مرتبط با این مفاهیم پرداخته خواهد شد:

محرومیت مفهومی اجتماعی و نسبی است و براساس هنجارهایی تعیین می‌شود که ممکن است در زمان‌ها و مکان‌های مختلف با هم فرق داشته باشند. به‌این ترتیب فقر در کشوری در حال پیشرفت ممکن است با محرومیت از امکاناتی همراه باشد که برای ادامه‌ی حیات ضروری است (دارو، غذا، مسکن) درحالی‌که فقر در کشوری پیشرفته ممکن است بر محرومیت نسبی از شرایط و امکانات زندگی متوسط جمعیت یا گروه‌های اجتماعی با درآمد بالاتر دلالت داشته باشد (قهفرخی، ۱۳۹۴: ۴۰).

محرومیت نسبی حاصل مقایسه شرایط زندگی خود با افراد ثروتمند است که افراد اعتقادات و ارزش‌های خودشان را علی‌رغم داشتن زمینه مشترک با دیگران مقایسه کنند. به‌عبارت‌دیگر محرومیت نسبی به‌عنوان برداشت بازیگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی آنان تعریف می‌شود. انتظارات ارزشی، شرایط زندگی و کالاهایی

هستند که مردم خود را مستحق آنها می‌دانند. توانایی‌های ارزشی کالاها و شرایطی هستند که آنها فکر می‌کنند عملاً " توانایی کسب و حفظ آن را دارند (برنبرگ، ۲۰۰۹: ۱۲۲۴؛ مرادی و سعیدی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۶۵).

به‌طور کلی، به شرایطی که مردم موقعیت اقتصادی اجتماعی خودشان را به وسیله‌ی درآمد، مصرف یا دیگر شاخص‌های رفاه با هم‌تایان مرفه مقایسه می‌کنند احساس محرومیت نسبی می‌گویند. در واقع، احساس محرومیت نسبی یک سنجش از نابرابری است که برای شاخص‌هایی از رشد مساوی در سطح فردی مهم است و این حقیقت را نشان می‌دهد که افراد طبقات پایین در بسیاری ابعاد نسبت به افراد طبقات بالا احساس بدتری نشان می‌دهند؛ بنابراین، مردم زمانی که آگاهی می‌یابند موقعیت مطلوب خوبی ندارند و دیگران موقعیت مشابه خوبی دارند محرومیت نسبی را احساس می‌کنند. علاوه‌براین، محرومیت نسبی به‌طور ضمنی به واکنش‌های روانی اجتماعی محرومیت مطلق مانند از خودبیگانگی اشاره دارد. محرومیت نسبی در ارتباط با تبعیض، احساس بی‌عدالتی، بیماری ذهنی و برای تفسیر ارزیابی نابرابری و باز توزیع درآمد استفاده می‌شود؛ بنابراین، محرومیت نسبی به‌طور فزاینده‌ای مکمل مفاهیم فقر مطلق به‌عنوان مهم‌ترین عامل درک پیامدهای نابرابری‌های عینی و ذهنی است (ایگ، ۲۰۱۴: ۸۷؛ چن^۱، ۲۰۱۵: ۲؛ ایگ، ۲۰۱۴: ۸۷).

در اینجا لازم است پس از توصیف مفهوم احساس محرومیت نسبی به توصیف مفهوم بزهکاری به‌عنوان متغیر وابسته تحقیق حاضر نیز پردازیم. بزهکاری به شکل تحت الفظی به معنای سوء رفتار، جرم یا عدم توجه به وظایف است که به‌طور مشخص در قانون تعریف نشده است. البته وقتی به‌طور خاص در مورد بزهکاری نوجوانان صحبت می‌شود، به معنای طیف وسیعی از رفتارها، از جمله، رفتارهای مغایر با ارزش‌های مورد احترام (گردهمایی‌های پرسروصدای نوجوانان یا غیبت از مدرسه) تا جرایم کوچک و معمولاً جدی‌تر (مانند سرقت از مغازه‌ها، شکستن درب منازل و وارد شدن به ساختمان‌ها و سرقت از اتومبیل) است. از دیدگاه جامعه‌شناسی انحرافات، انحرافات اجتماعی به دو طبقه‌ی بزهکاری و جرم قابل تقسیم است. گفتنی است که این طبقه‌بندی نه بر حسب نوع و شدت رفتار انحرافی، بلکه بر اساس سن افراد در هنگام ارتکاب چنین اعمالی است. در جرم‌شناسی به‌طور خاص، تحت عنوان بزهکاری جوانان برای نشان دادن شیوع وافر جرایم در خور کیفری که پسران ۱۲ تا ۲۰ سال مرتکب می‌شوند بکار می‌رود و اغلب نظریات جامعه‌شناسی در باب بزهکاری جوانان، سعی دارند جرایم

را از نقطه نظر سازمان دسته‌های اوباش شهری، زیر «فرهنگ‌های» بزهکارانه و محدودیت‌های (فرصتی) برای افراد ذکور قشر کارگری و گروه‌های محروم جامعه توضیح دهند. در مجموع، بزهکاری معمولاً مجموعه‌ی وسیعی از موارد نقض هنجارهای قانونی و اجتماعی را در برمی‌گیرد و در معنای کلی تر بزه عبارت از اقدام به عملی است که برخلاف مقررات، موازین و معیارهای ارزشی و فرهنگی جامعه باشد و انجام آن موجب پیگرد قانونی شود و کسانی که مرتکب چنین اعمالی گردند را مجرم و بزهکار گویند (صادقی فر، ۱۳۸۹: ۸۶؛ آبرکرامی و همکاران، ۱۳۷۰: ۱۰۷؛ طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹۷؛ جوانمرد، ۱۳۹۰: ۷۸).

الف) ادبیات تجربی

به‌طور کلی، برخی از مهم‌ترین پیشینه‌های تجربی که در خصوص رابطه بین احساس محرومیت نسبی و بزهکاری انجام گرفته است، می‌توان به مواد زیر اشاره نمود:

محسنی تبریزی و درویش ملا (۱۳۸۷)، پژوهشی تحت عنوان سنجش میزان احساس محرومیت نسبی و محرومیت نسبی ادراکی جوانان (مطالعه شهر تهران) انجام دادند. در این پژوهش نقطه عزیمت رویکرد نظری در تبیین این فرایند بر سر هر دو مؤلفه‌ی عاطفی و شناختی محرومیت نسبی مبتنی است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که میان احساس محرومیت نسبی (مؤلفه‌ی عاطفی) و محرومیت نسبی ادراکی (مؤلفه‌ی شناختی) رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد؛ همچنین میان احساس محرومیت نسبی و هر یک از متغیرهای وضعیت فعالیت اقتصادی، سن، جنس، تحصیلات، درآمد و وضع مالکیت مسکن رابطه وجود دارد. نتایج حاصل از نیکویی برازش مدل نظری از طریق کاربرد رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر نیز مبین آن است که متغیرهای وضعیت مسکن، جنس، درآمد ماهیانه خانوار، سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، وضعیت فعالیت و بعد خانوار، به ترتیب بیشترین تغییرات متغیر وابسته (احساس محرومیت نسبی) را تبیین می‌کنند. اثر کل متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته برابر ۶۹/۶ درصد است (محسنی تبریزی و درویش ملا، ۱۳۸۷: ۷۳).

مرادی و سعیدی‌پور (۱۳۸۹) تحقیقی تحت عنوان بررسی نقش محرومیت نسبی در ایجاد رفتار جمعی جوانان شهر کرمانشاه براساس نظریه تعامل‌گرایی بلومر انجام دادند. بر اساس یافته‌های این تحقیق محرومیت نسبی می‌تواند به‌عنوان یک عامل کلیدی در ایجاد و شکل‌دهی رفتارهای جمعی میان جوانان مؤثر باشد. عواملی چون توانایی‌های ارزشی و انتظارات ارزشی نیز از طرفی در محرومیت نسبی جوانان و از طرفی هم در ایجاد و شکل‌گیری رفتارهای جمعی نقش دارند. نتایج حاصل از تحلیل لجستیک نشان می‌دهد که متغیر محرومیت نسبی،

توانایی‌های ارزشی و انتظارات ارزشی توانسته‌اند ۵۱/۷۴ از احتمال ورود جوانان به رفتارهای جمعی را به صورت صحیح پیش‌بینی کند (مرادی و سعیدی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۶۳).

لهسائی‌زاده (۱۳۹۰)، در پژوهشی تحت عنوان نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌های شهری مناطق حاشیه‌نشین (مورد مطالعه: شهر کرمانشاه)، به این نکته اشاره می‌کند که محرومیت نسبی یکی از عوامل روان‌شناختی، اجتماعی- بیولوژیکی و محیطی در ایجاد خشونت‌های شهری در حاشیه شهرها است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که هر اندازه افراد ساکن در مناطق حاشیه‌نشین احساس کنند با دیگر هم‌نوعان خود فاصله اجتماعی و اقتصادی بیشتری دارند، احساس نارضایتی در میان آن‌ها بیشتر شده و برای جبران این وضعیت به هر ابزار و وسیله‌ی دست خواهند زد که یکی از راه‌ها خشونت در مناطق حاشیه شهر است (لهسائی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۱-۲۲).

برنبرگ^۱ (۲۰۰۹)، تحقیقی با عنوان محرومیت نسبی و پیامدهای آن در ایسلند انجام داد. او در این تحقیق به‌طور خاص به بررسی تأثیرات محرومیت اقتصادی روی پیامدهای فردی استاندارددهای زندگی که گروه مرجع از آن‌ها برخوردار است، می‌پردازد و با استفاده از داده‌های چند سطحی ۵۴۹۱ نوجوان را در مدارس ایسلند برای حمایت از نظریه محرومیت نسبی، مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج آزمون نشان می‌دهد که تأثیرات محرومیت اقتصادی روی نوجوانان باعث خشم، بی‌هنجاری، بزهکاری و خشونت می‌شود. او همچنین مشاهده نمود، درحالی‌که تأثیرات محرومیت نسبی در خانواده به‌طور قابل‌توجهی ضعیف است این تأثیرات در جامعه و مدرسه جایی که محرومیت اقتصادی کم‌رنگ‌تر است، قوی‌تر است (برنبرگ، ۲۰۰۹: ۱۲۲۳). آدرین و هورن^۲ (۲۰۰۹)، تحقیقی با عنوان تأثیرات محرومیت نسبی بر بزهکاری، مطالعه‌ای بر روی نوجوانان انجام دادند. آن‌ها اظهار می‌کنند اگرچه جرم و جنایت کاهش یافته است اما هنوز هم در ایالت متحده یک مشکل اصلی است. اقلیت‌های سیاهان اغلب در مناطق داخلی شهرستان که به‌طور مرتب دسترسی به فرصت‌های مجرمانه وجود دارد ساکن شده‌اند و در ابعادی با فقر که یکی از عوامل شرکت در فعالیت‌های بزهکارانه است، مرتبط می‌باشند. در حالی که این عوامل به‌تنهایی یک زندگی مجرمانه را التزام نمی‌کند برای تصمیم به شرکت در جرم جنبه‌های عینی دیگری نیز وجود دارد. آن‌ها همچنین در ارتباط بین محرومیت نسبی و بزهکاری به نتایجی دست یافتند و بیان نمودند درحالی‌که محرومیت نسبی موضوعی ذهنی و نتیجه یک فرایند تطبیقی است می‌تواند جرایم فراگیری را شامل شود از جمله؛ سرخوردگی

1. Bernburg

2. Adrin & Horne

ناشی از عدم دسترسی به اهداف یا خشونت عاطفی براساس قلمروهای بین فردی یا بر اساس قلمروهای مجرمانه، شهرت یا احترام، درک متفاوت بین همسالان و مقایسه‌های مردم و یا انتظاراتی که ممکن است نسبت به گروه مرجع شکل گیرد (آدرین و هورن، ۲۰۰۹: ۱).

زلینسکی^۱ (۲۰۱۲)، تحقیقی با عنوان تغییر در محرومیت نسبی مادی در نواحی اسلواکی و جمهوری چک انجام داد. هدف از این تحقیق یک ارزیابی ساده از محرومیت نسبی مادی مبتنی بر شاخص فقر انسانی است که به‌عنوان نماینده برای سطح محرومیت چندبعدی و به‌عنوان شاخص جایگزین محرومیت نسبی براساس رویکردی چندبعدی است. این تحقیق در دو بخش انجام شده است: اولین بخش تحقیق به بررسی سطح تجهیزات خانواده‌ها با آب، برق و استفاده از کالاهای با کیفیت با استفاده از داده‌های سرشماری ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ پرداخته است. دومین بخش هدف تخمین محرومیت نسبی مادی در مناطق چک اسلواکی با استفاده از داده‌های خرد اتحادیه اروپا از ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که تفاوت‌های قابل توجهی در نرخ محرومیت نسبی مادی بین جمهوری چک و اسلواکی و مناطق آن وجود دارد. سطح محرومیت در اسلواکی بالاتر است و خانواده‌های محروم در بخشی از اسلواکی متمرکز شده‌اند. یافته‌ها نیز نشان می‌دهد در حالی که جمهوری چک دارای موقعیت خاص است اما فشار ناشی از محرومیت مربوط به بالاترین سطح محرومیت مسکن و پایین‌ترین سطح محرومیت از کالاهای باکیفیت است (زلینسکی، ۲۰۱۲: ۳۳۵).

- سالازار و ویلا^۲ (۲۰۱۳)، تحقیقی تحت عنوان تله فقر، نابرابری اقتصادی و مشوق‌هایی برای بزهکاری انجام دادند. آن‌ها در این تحقیق به بررسی ارتباط نظری بین تله فقر، نابرابری اقتصادی و بزهکاری پرداختند و معتقدند این مسئله در درازمدت باعث می‌شود که هر دو بخش قانونی و غیرقانونی با هم تداخل پیدا کنند. فرض آن‌ها بر این است که نبود اعتبار مالی جهت انباشت سرمایه انسانی موانعی برای پیشرفت آموزشی به وجود می‌آورد. تحت شرایط تله فقر، نابرابری اقتصادی اولیه و هزینه زیاد سرمایه انسانی بزهکاری در یک چرخه مداوم تولید می‌شود. آن‌ها در این بررسی یافتند که تغییرات ثابت ناشی از افزایش دستمزدها یا کاهش دارایی‌های ملکی بدون نیاز به مهارت‌ها باعث غضب می‌شود؛ و بزهکاری را بعد از مرگ که یک شوک طبیعی است، مرگی تدریجی می‌دانند که به‌طور مداوم افزایش می‌یابد. آن‌ها همچنین یافتند که افزایش محرومیت نسبی تأثیری مبهم در نرخ بزهکاری در درازمدت دارد و کاهش نابرابری و بزهکاری در درازمدت باعث افزایش ثروت می‌شود (سالازار و ویلا، ۲۰۱۳).

1. Zelinsky

2. Salazar & Villa

(۷۵۳-۷۵۴).

ایگ^۱ (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان دوگانگی محرومیت (مطلق - نسبی) در ارزیابی تغییرات واکنش به نابرابری به مقایسه سوابق واکنش‌های جمعی بین گروه‌های محروم می‌پردازد. او بیان می‌کند که فرض محرومیت مطلق به‌تنهایی برای ناامیدی کافی نیست. به همین دلیل (۳۸۳ نفر) از ساکنان شهری کم‌درآمد را با استفاده از شاخص‌های محرومیت مطلق و نسبی برای ارزیابی بهتر واکنش‌های جمعی به‌عنوان نتیجه محرومیت و واکنش‌های اخیر آن‌ها بررسی می‌کند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که باید به‌جای تغییرات شرایط ساختاری و منابع، احساس خشم یا تجربه محرومیت قربانی در نظر گرفته شود. همچنین با توجه به شواهد اظهار می‌کند که خشونت با نابرابری‌های قومی، مذهبی و منطقه‌ای در بسیاری از کشورهای در حال توسعه در ارتباط است. در نتیجه تحریک نابرابری‌ها به نارضایتی اجتماعی منجر می‌شود؛ بنابراین تحریک بیشتر چرخه خشونت گروه‌های محروم و افزایش اثرات برجسته احساس محرومیت به تحریک عمل جمعی و در مقیاس بزرگ به خشونت‌های سیاسی و جنگ تغییر می‌یابد (ایگ، ۲۰۱۴: ۸۷).

گونارسد^۲ (۲۰۱۵)، تحقیقی با عنوان محرومیت نسبی کودکان کشورهای شمال اروپا در رابطه با مشکلات روحی روانی ناشی از فشار مالی والدینشان انجام داد. هدف از این تحقیق بررسی تفاوت‌های بالقوه فشار مالی والدین و ارتباط آن با سلامت روانی کودکان و همچنین تفاوت آن براساس سن و جنس است. آن‌ها دریافتند در حالی که سیستم رفاهی کشورهای شمال اروپا ادعا کرده است که نرخ مرگ‌ومیر کودکان و فقر در حد مطلوبی پایین آمده است اما با این وجود، مشکلات روحی روانی بین کودکان و وضعیت اقتصادی خانواده به‌عنوان عامل مهم مشخص شده است؛ که با وجود ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مشابه کشور ایسلند بیشتر تحت تأثیر بحران‌های مالی جهانی در سال ۲۰۰۸ بوده است. آن‌ها با استفاده از پرسش‌نامه به مطالعه سلامت، رفاه و کیفیت زندگی ۶۳۲۰ کودک ۴-۶ ساله کشورهای شمال اروپا در سال ۲۰۱۱ پرداختند. نتایج حاکی از آن است که فشار مالی برای کشورهای ایسلند ۴۷/۷ درصد بود در حالی که در کشورهای دیگر ۲۰٪ و در کشورهای فنلاند ۳۳/۵٪ بود. بدون سنجش سن یا جنس تفاوت معنی‌داری بین فشار مالی والدین و سلامت روحی روانی کودکان مشاهده شده است؛ و نتیجه گرفتند که علاوه بر موقعیت اقتصادی اجتماعی، محرومیت نسبی باید به‌عنوان یک عامل مهم سلامت روان در نظر گرفته شود (گونارسد، ۲۰۱۵: ۲۷۷).

1. Ige

2. Gunnarsdottir

ب) ادبیات نظری

پس از ارائه تعریف مفهومی احساس محرومیت نسبی و بزهکاری و همچنین پس از بررسی تعدادی از پیشینه‌های تجربی پژوهش، لازم است که رابطه بین احساس محرومیت نسبی و بزهکاری بر اساس مبانی نظری مطرح شده و مورد بازبینی قرار گیرد. لازم به ذکر است در این تحقیق، رویکردهای نظری تبیین‌کننده رابطه مذکور به سه دسته شامل؛ دیدگاه ساختارگرایی اجتماعی، دیدگاه فرآیندهای اجتماعی و دیدگاه تضاد تقسیم شده است که هر کدام به طرق مختلف به بررسی مکانیسم‌های مرتبط و تأثیرگذار بر این موضوع پرداخته‌اند: ادعای نظریه‌های ساختار اجتماعی حاکی از این است که بالاترین نرخ جرم در محله‌هایی است که فقر و آشفتگی بالایی دارند و معتقدند جرایم طبقات بالا به دلیل غیر خشونت‌آمیز بودن برای عموم مردم خطرات کمی دارند در حالی که جرایم طبقات پایین خشونت‌آمیزند. به این ترتیب، مشکلات واقعی جرم یک پدیده طبقات پایین است و معتقدند کودکانی که در فقر رشد می‌کنند و در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که فاقد منابع اقتصادی هستند احتمال بیشتری وجود دارد که نسبت به همسالان ثروتمند خود مرتکب جرم شوند (سیگل^۱، ۲۰۱۶: ۱۸۲)؛ با توجه به ضرورت در این تحقیق رویکرد ساختارگرایی خود به سه بخش تقسیم شده شامل: آشفتگی اجتماعی؛ نظریه فشار (آنومی دورکیم، آنومی مرتون، نظریه آنومی لی و همکاران، نظریه محرومیت نسبی، نظریه فشار عمومی اگنیو) و نظریه انحرافات فرهنگی (نظریه خرده‌فرهنگ بزهکار، نظریه فرصت‌های افتراقی). نظریه‌های فرآیند اجتماعی نیز شامل؛ نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه کنترل اجتماعی بوده و دیدگاه تضاد نیز نظریه جرم‌شناسی واقع‌گرایی چپ را دربرمی‌گیرد.

نظریه آشفتگی اجتماعی اولین بار توسط دو جامعه‌شناس محبوب شیکاگو کلیفورد آر. شاو و هنری د مک کی در سال ۱۹۲۰ مطرح شد. اعتقاد این دو جامعه‌شناس این است که پس از جنگ جهانی اول، به همراه فرایندهایی مانند مهاجرت، شهرنشینی و صنعتی شدن بسیاری از مسائل اجتماعی شناخته‌شده‌ی پیشین، مانند فقر، بزهکاری و جرم، بیماری روانی و الکلیسم نیز چهره‌ی خود را بیش‌ازپیش نمایان کرده‌اند (سیگل، ۲۰۱۶: ۵-۱۸۴؛ سروستانی، ۱۳۹۱: ۵۱). طبق نظریه بی‌سازمانی اجتماعی بین ارزش‌ها و هنجارهای کودکان خیابانی با طبقه متوسط تضاد رخ می‌دهد که در نتیجه این تضاد افراد با آغوش گرم هنجارهای منحرف را می‌پذیرند؛ بنابراین می‌توان اظهار کرد که هر چقدر افراد در شبکه‌های اجتماعی بیشتر سهیم

1. Siegel

شوند سرمایه بیشتری کسب می‌کنند و چنانچه این ارتباط با دوستان منحرف باشد باعث تقویت رفتارهای ضداجتماعی می‌شود و زمینه را برای رفتار بزهکارانه فراهم می‌کند. نظریه پردازان فشار معتقدند که اکثر مردم ارزش‌ها و اهداف مشابهی دارند و تأکید می‌کنند که توانایی دستیابی به اهداف به طبقه‌ای که افراد در آن زندگی می‌کنند بستگی دارد (سیگل، ۲۰۱۶: ۱۹۰). بر این اساس چنانچه افراد اهدافی داشته باشند اما توانایی دستیابی به اهداف برایشان مقدور نباشد احساس تنش و فشار می‌کنند که در نتیجه این فشار آنومی رخ می‌دهد و سبب شکل‌گیری رفتارهای انحرافی و بزهکارانه می‌شود.

همچنین با توجه به نظریه فشار می‌توان استدلال کرد که متغیر آنومی حاکی از آن است که پدیده بزهکاری حاصل بی‌هنجاری در سطح فردی و کلان است؛ اما در خصوص اینکه بی‌هنجاری چگونه شکل می‌گیرد می‌توان بیان کرد بر اساس نابرابری‌های که در هر دو سطح فردی و اجتماعی وجود دارد و آگاهی به وجود بی‌نظمی و بی‌هنجاری که با رفتار غیراخلاقی درهم‌تنیده شده است سبب شکل‌گیری فشارهایی بر افراد می‌شود که غضب اخلاقی^۱ را در آن‌ها برانگیخته، لذا با توجه به شرایط ذکر شده می‌تواند زمینه شکل‌گیری مسئله بزهکاری را فراهم آورد.

گر^۲ محرومیت نسبی را درک متفاوتی می‌داند که بین انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی کنشگران وجود دارد (دوروئیک^۳، ۲۰۱۳: ۱۱۸). طبق نظریه محرومیت نسبی می‌توان استدلال کرد که چگونگی شکل‌گیری بزهکاری پیامد احساس فشاری است که بر فرد وارد می‌شود. بدین صورت که در فرآیند مقایسه اجتماعی افراد احساس فشار می‌کنند و در نتیجه این فشار احساس ناامیدی در فرد شکل می‌گیرد و باعث گرایش افراد به سمت آسیب‌هایی مانند بزهکاری می‌شود.

شاخه سوم نظریه ساختار اجتماعی، ترکیبی از تأثیرات آشفتگی اجتماعی و فشار برای شرح این مسئله است که مردم چگونه در محلات رو به تخریب زندگی می‌کنند و به انزوای اجتماعی و محرومیت اقتصادی پاسخ می‌دهند. به اعتقاد نظریه‌پردازان خرده‌فرهنگی، رفتار بزهکارانه به وسیله دار و دسته‌های بزهکار معمولاً در اجتماعات خرده‌فرهنگی طبقات پایین جامعه شکل گرفته و به اجرا درمی‌آید (سیگل، ۲۰۱۶: ۱۹۸؛ احمدی، ۱۳۹۲: ۷۲). طبق نظریه

۱- مراد از «غضب اخلاقی» (moral outrage) خشم اخلاقی توأم با نوعی احساس بی‌عدالتی اجتماعی حاصل از (تصور) نقض قواعد اجتماعی (با صبغه اخلاقی) است و جایگزینی زور و تزویر به جای آن، در پهنه روابط اجتماعی می‌باشد (چلبی، ۱۳۹۵: ۲۶۲).

2. Gurr

3. Dzuverovic

آلبرت کوهن می‌توان بیان کرد شرایط اجتماعی باعث عدم موفقیت نوجوانان برای رسیدن به اهداف می‌شود و احساس محرومیت نسبی را در فرد ایجاد می‌کند و فرایند ناامیدی رخ می‌دهد؛ بنابراین، زمینه را برای شکل‌گیری رفتارهای منفی آماده می‌کند در نتیجه نوجوانان بزهکاری را به‌عنوان واکنشی به این فرایند برمی‌گزینند.

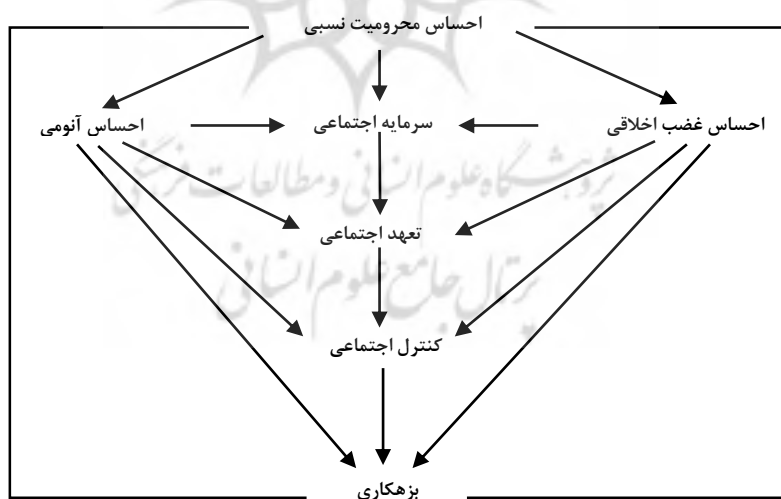
در خصوص نظریه یادگیری اجتماعی، ادوین ساترلند فرآیند تعاملات اجتماعی در گروه‌های بزهکار را مسئول رفتار مجرمانه می‌داند. او ادعا کرد که رفتار مجرمانه، بر اثر تماس و هم‌نشینی با الگوهای جنایی آموخته می‌شود. هر چه تماس افراد با چنین محیط‌هایی زودتر آغاز شود (سن افراد) تکرار تماس به‌دفعات بیشتر باشد (فراوانی معاشرت)، ارتباط نزدیک‌تر و عمیق‌تر باشد (عمق معاشرت) و مدت‌زمان معاشرت طولانی‌تر باشد، احتمال اینکه فرد در نهایت به یک بزهکار تبدیل شود بیشتر است ساترلند ادعا کرد که همه جرایم یاد گرفته می‌شوند اگرچه ارتباط با دیگران در فرآیند تعامل با گروه صمیمی شامل یادگیری تکنیک‌های جرم و تعاریف مطلوب و نامطلوب جرم است. افراد به همان شیوه‌ای که یاد می‌گیرند از قوانین تبعیت کنند، به همان شیوه هم یاد می‌گیرند که کج‌رفتار شوند؛ بنابراین کج‌رفتاری را با اصول یادگیری بهتر می‌توان تبیین کرد (ابوالعالی، ۱۳۸۹: ۲۷-۲۶؛ چلبی، ۱۳۹۰: ۲۲۸؛ ماتسو و گریگورا، ۲۰۱۱: ۳؛ سروستانی، ۱۳۹۰: ۴۹). طبق نظریه یادگیری می‌توان اظهار کرد چنانچه افراد با یکدیگر ارتباط متقابل داشته باشند، در جریان این ارتباط همبستگی‌ها بیشتر می‌شود و افراد در قبال یکدیگر احساس تعهد می‌کنند و هر چه افراد احساس محرومیت بیشتری داشته باشند بیشتر به سمت گروه‌هایی می‌روند که در شرایطی مشابه با آن‌ها هستند که در این جریان متقابل پایبندی و تعهد افراد به یکدیگر بالا می‌رود. چنانچه این گروه‌ها که فرد با آن‌ها رابطه‌ای گرم و صمیمانه دارد افرادی باشند که رفتارهای ضداجتماعی را برگزیده‌اند، احتمال اینکه فرد در جریان روابط متقابل وارد شبکه‌های انحرافی شود و رفتار بزهکارانه را برگزیند افزایش می‌یابد.

علاوه بر این، احساس محرومیت نسبی می‌تواند از طریق کنترل اجتماعی بر میزان بزهکاری تأثیرگذار باشد. نظریه کنترل اجتماعی بر این پیش‌فرض استوار است که برای کاستن از تمایل به رفتار بزهکارانه و مجرمانه باید همه افراد کنترل شوند. این نظریه همچنین رفتار انحرافی را عمومی و جهان‌شمول دانسته و آن را نتیجه کارکرد ضعیف سازوکارهای کنترل اجتماعی و کنترل‌های شخصی و درونی می‌داند؛ بنابراین، بزهکاری و جرم از یک‌سو، محصول عوامل فردی کنترل نظیر خودپنداره منفی، ناکامی، روان‌پریشی و اعتمادبه‌نفس پایین است و از سوی دیگر، نظام‌های کنترل ناقص اجتماعی و فقدان تقید و تعهد نسبت به نهادهای بنیادین اجتماعی

است (احمدی، ۱۳۹۲: ۸۶). با توجه به نظریه کنترل اجتماعی چنانچه فرد موقعیت اکنون خود را چه در خانواده و چه در مدرسه با موقعیت قبلی یا حتی با موقعیتی که والدین برای خواهر یا برادر او تأمین کرده یا حتی معلم برای دوستان او فراهم کرده مقایسه کند و خود را محروم بداند، دل‌بستگی او را به آن‌ها کم می‌کند و خشم را که یکی از مهم‌ترین مکانسیم‌های مقابله‌ای است در فرد بر می‌انگیزاند که ممکن است سبب شکل‌گیری رفتار بزهکارانه شود. بر طبق نظریه تضاد نیز می‌توان گفت که افراد هر گونه منابع مادی را که در دسترس دارند برای تأمین اهدافشان به کار می‌گیرند. از آنجایی که این منابع به شکلی نابرابر توزیع شده‌اند درگیری افراد در جرم و جنایت پاسخی به تحقق بخشیدن آنچه که آن‌ها می‌خواهند و قادر به دستیابی به آن نیستند خواهد بود. به این ترتیب، درحالی که اکنون فرصت‌ها بیش‌ازپیش وجود دارد سطوح بالاتری از انتظارات وجود دارد و گرایش به ارزیابی موقعیت در مقایسه با موقعیت دیگران را افزایش می‌دهد. در نتیجه، رواج تخلف و بزهکاری پاسخی به شدت احساس محرومیت نسبی افراد است (سیدمن، ۱۳۹۳: ۱۲۱؛ هوارد براون، ۲۰۱۴: ۴۲).

در مجموع، با توجه به دیدگاه‌های بیان‌شده، مدل مفهومی پژوهش حاضر را، می‌توان به شرح ذیل ارائه نمود:

۳. مدل مفهومی پژوهش



۳-۱. فرضیه‌های پژوهش

۱. بین احساس محرومیت نسبی و بزهکاری رابطه معناداری وجود دارد.

۲. هرچقدر احساس محرومیت نسبی افزایش یابد، احساس غضب اخلاقی بیشتر شده و بزهکاری افزایش می‌یابد.
۳. هر چقدر احساس محرومیت نسبی افزایش یابد، احساس غضب اخلاقی بیشتر شده و کنترل اجتماعی غیررسمی کمتر می‌شود، در نتیجه بزهکاری افزایش می‌یابد.
۴. هر چقدر احساس محرومیت نسبی افزایش یابد احساس غضب اخلاقی بیشتر شده و تعهد اجتماعی کمتر می‌شود، در نتیجه کنترل اجتماعی کاهش می‌یابد و بزهکاری افزایش می‌یابد.
۵. هر چقدر احساس محرومیت نسبی افزایش یابد احساس غضب اخلاقی بیشتر شده و سرمایه اجتماعی کمتر می‌شود و هر چقدر سرمایه اجتماعی کمتر شود تعهد اجتماعی کمتر می‌شود، در نتیجه کنترل اجتماعی غیررسمی کاهش می‌یابد و بزهکاری افزایش می‌یابد.
۶. هر چقدر احساس محرومیت نسبی افزایش یابد سرمایه اجتماعی کمتر می‌شود و تعهد اجتماعی کمتر می‌شود، در نتیجه کنترل اجتماعی غیررسمی کاهش می‌یابد و بزهکاری افزایش می‌یابد.
۷. هر چقدر احساس محرومیت نسبی افزایش یابد، احساس آنومی بیشتر می‌شود و سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد و تعهد اجتماعی کمتر شده و کنترل اجتماعی غیررسمی کاهش می‌یابد در نتیجه بزهکاری افزایش می‌یابد.
۸. هر چقدر احساس محرومیت نسبی افزایش یابد احساس آنومی بیشتر شده و تعهد اجتماعی کمتر می‌شود، کنترل اجتماعی غیررسمی کاهش می‌یابد در نتیجه بزهکاری افزایش می‌یابد.
۹. هر چقدر احساس محرومیت نسبی افزایش یابد احساس آنومی بیشتر شده و کنترل اجتماعی غیررسمی کاهش می‌یابد در نتیجه بزهکاری افزایش می‌یابد.
۱۰. هر چقدر احساس محرومیت نسبی افزایش یابد احساس آنومی بیشتر شده در نتیجه بزهکاری افزایش می‌یابد.

۲-۳. روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق حاضر از نوع پیمایش است. جامعه آمار شامل کلیه دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم شهرهای خرم‌آباد و یزد در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ است که تعداد آن برای شهر خرم‌آباد ۱۰۸۷۸ نفر و برای شهر یزد ۲۳۹۳۰ نفر است. با استفاده از فرمول کوکران با سطح خطای ۵ درصد، ۳۷۸ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند که برای دقت بیشتر حجم نمونه و احتمال ریزش، ده درصد به حجم نمونه اضافه شد و در نهایت ۴۰۲ پرسشنامه سالم مورد تحلیل قرار گرفت که از این تعداد ۲۰۲ نفر دانش‌آموزان شهر خرم‌آباد و ۲۰۰ نفر دانش‌آموزان شهر یزد

انتخاب شدند. شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است. بدین‌صورت که ابتدا دو ناحیه شهر خرم‌آباد و دو ناحیه شهر یزد در نظر گرفته شد و به‌صورت تصادفی پاسخگویان مورد مطالعه قرار گرفتند. در نهایت با استفاده از فرمول کوکران، به‌تناسب حجم جمعیت، از هر ناحیه ۲ مدرسه برخوردار و ۲ مدرسه محروم انتخاب شد و به‌صورت تصادفی از هر مدرسه ۲۵ پاسخگو انتخاب شد که ۱۳ نفر دانش‌آموزان سال اول و ۱۲ نفر دانش‌آموزان سال سوم بودند. همچنین در این تحقیق ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بوده است که برای اعتبار پرسشنامه از اعتبار محتوایی استفاده شده است و برای پایایی پرسش‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است و گویه‌هایی که موجب کاهش ضریب آلفای کرونباخ شده‌اند از مقیاس حذف گردیده‌اند. جدول شماره ۱ گویه‌های ضریب آلفای کرونباخ را نشان می‌دهد:

جدول ۱: ضریب روایی مقیاس‌ها در پرسشنامه مقدماتی

پرسشنامه مقدماتی		متغیرها	پرسشنامه مقدماتی		متغیرها
ضریب روایی	تعداد گویه‌ها		ضریب روایی	تعداد گویه‌ها	
۰/۸۵	۴	تعهد اجتماعی	۰/۷۹	۱۵	سرمایه اجتماعی
۰/۸۷	۸	غضب اخلاقی	۰/۷۴	۶	کنترل اجتماعی غیررسمی
۰/۸۴	۸	احساس محرومیت نسبی	۰/۷۱	۶	آنومی
			۰/۸۳	۲۰	بزهکاری

۴. یافته‌های پژوهش

- آمارهای یک متغیری
- متغیرهای زمینه‌ای

نتایج جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که از مجموع ۴۰۲ پاسخگوی مورد مطالعه، ۵۰/۵ درصد پسر و ۴۹/۵ درصد دختر هستند. همچنین از بین پاسخگویان شهر خرم‌آباد ۵۰/۵ درصد پسر و ۴۹/۵ درصد دختر هستند. در بین پاسخگویان شهر یزد نیز ۵۰/۵ درصد پسر و ۴۹/۵ درصد دختر هستند. در بین پاسخگویان تحقیق، ۹۷ درصد در شهر و ۳ درصد در روستا متولد شده‌اند. از بین پاسخگویان شهر خرم‌آباد ۹۵ درصد در شهر و ۵ درصد در روستا متولد شده‌اند. همچنین نتایج نشان می‌دهد در بین پاسخگویان شهر یزد ۹۹ درصد در شهر و ۱ درصد در روستا متولد شده‌اند. همچنین، ۵۳ درصد از پاسخگویان کلاس اول دبیرستان و ۴۷ درصد از

پاسخگویان کلاس سوم دبیرستان بوده‌اند. بر اساس این نتایج ۵۳/۵ درصد از پاسخگویان شهر خرم‌آباد کلاس اول دبیرستان و ۴۶/۵ درصد از پاسخگویان کلاس سوم دبیرستان می‌باشند. از بین پاسخگویان شهر یزد ۵۲/۵ درصد کلاس اول دبیرستان و ۴۷/۵ درصد کلاس سوم دبیرستان بوده‌اند. در مجموع بین پاسخگویان مورد بررسی، ۱۴/۹ درصد آن‌ها درآمد خانواده‌شان کمتر از ۵۰۰ هزار تومان، ۲۷/۶ درصد بین ۵۰۰ تا ۱ میلیون درآمد داشته‌اند، ۲۶/۹ درصد درآمدی بین ۱ تا ۱/۵ میلیون داشته‌اند، ۱۱/۹ درصد ۱/۵ تا ۲ میلیون درآمد داشته‌اند، ۱۰/۴ درصد ۲ تا ۳ میلیون و ۸/۲ درصد بیش از ۳ میلیون درآمد داشته‌اند. علاوه بر این نتایج جدول حاکی از آن است که ۷۳/۶ درصد از خانواده‌های پاسخگویان دارای اتومبیل و ۲۶/۴ درصد آن‌ها فاقد اتومبیل می‌باشند. همچنین، ۷۱/۸ درصد از پاسخگویان شهر خرم‌آباد دارای اتومبیل و ۲۶/۴ درصد آن‌ها فاقد اتومبیل می‌باشند. از بین پاسخگویان شهر یزد ۷۵/۵ درصد دارای اتومبیل و ۲۴/۵ درصد فاقد اتومبیل هستند.

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	رده‌بندی	کل		گروه‌ها	
		تعداد	درصد	خرم‌آباد	یزد
				تعداد	درصد
جنسیت	پسر	۲۰۳	۵۰/۵	۱۰۲	۵۰/۵
	دختر	۱۹۹	۴۹/۵	۱۰۰	۴۹/۵
	جمع	۴۰۲	۱۰۰	۲۰۲	۱۰۰
محل تولد	شهر	۳۹۰	۹۷/۰	۱۹۲	۹۵/۰
	روستا	۱۲	۳/۰	۱۰	۵/۰
	جمع	۴۰۲	۱۰۰	۲۰۲	۱۰۰
تحصیلات	اول	۲۱۳	۵۳/۰	۱۰۸	۵۳/۵
	سوم	۱۸۹	۴۷/۰	۹۴	۴۶/۵
	جمع	۴۰۲	۱۰۰/۰	۲۰۲	۱۰۰/۰
درآمد ماهیانه خانواده	کمتر از ۵۰۰ هزار	۶۰	۱۴/۹	۴۵	۲۲/۳
	۵۰۰ تا ۱ میلیون	۱۱۱	۲۷/۶	۵۵	۲۷/۲
	۱ تا ۱/۵ میلیون	۱۰۸	۲۶/۹	۳۸	۱۸/۸
	۱/۵ تا ۲ میلیون	۴۸	۱۱/۹	۲۳	۱۱/۴
	۲ تا ۳ میلیون	۴۲	۱۰/۴	۲۳	۱۱/۴
	بیش از ۳ میلیون	۳۳	۸/۲	۱۸	۸/۹
	جمع	۴۰۲	۱۰۰/۰	۲۰۲	۱۰۰/۰
اتومبیل	بله	۲۹۶	۷۳/۶	۱۴۵	۷۱/۸
	خیر	۱۰۶	۲۶/۴	۵۷	۲۸/۲
	جمع	۴۰۲	۱۰۰	۲۰۲	۱۰۰/۰

• بزهکاری

جدول شماره (۳) نشان‌دهنده توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان بزهکاری دانش‌آموزان شهرهای خرم‌آباد و یزد است. نتایج نشان می‌دهد میزان بزهکاری ۴۴/۵ از پاسخگویان کم، ۴۴/۵ درصد نسبتاً کم، ۹/۷ درصد نسبتاً زیاد و میزان بزهکاری ۱/۲ درصد از پاسخگویان زیاد است. یافته‌ها نشان می‌دهد میزان بزهکاری ۳۸/۱ درصد از پاسخگویان شهر خرم‌آباد کم، ۴۵/۵ درصد نسبتاً کم، ۱۴/۴ درصد نسبتاً زیاد و ۲ درصد بالا است. همچنین نتایج نشان می‌دهد میزان بزهکاری ۵۱ درصد پاسخگویان شهر یزد کم، ۴۳/۵ درصد نسبتاً کم، ۵ درصد نسبتاً زیاد و ۰/۵ درصد بالا است.

جدول ۳: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان بزهکاری

گروه‌ها				کل		میزان بزهکاری	
یزد		خرم‌آباد					
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	دامنه امتیازات	سطح
۵۱/۰	۱۰۲	۳۸/۱	۷۷	۴۴/۵	۱۷۹	۲۰-۴۰	کم
۴۳/۵	۸۷	۴۵/۵	۹۲	۴۴/۵	۱۷۹	۴۱-۶۰	نسبتاً کم
۵/۰	۱۰	۱۴/۴	۲۹	۹/۷	۳۹	۶۱-۸۰	نسبتاً زیاد
۰/۵	۱	۲/۰	۴	۱/۲	۵	۸۱-۱۰۰	زیاد
۱۰۰/۰	۲۰۰	۱۰۰/۰	۲۰۲	۱۰۰/۰	۴۰۲	۲۰-۱۰۰	جمع
۱/۵۵		۱/۸۰		۱/۶۸		میانگین	
۰/۶۱۶		۰/۷۵۳		۰/۶۹۹		انحراف معیار	

• احساس محرومیت نسبی

جدول شماره (۴) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان احساس محرومیت نسبی دانش‌آموزان شهرهای خرم‌آباد و یزد را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد در مجموع ۱۷/۹ درصد از پاسخگویان اظهار نموده‌اند که محرومیت نسبی را کم احساس کرده‌اند، ۵۱/۵ درصد نسبتاً کم، ۲۵/۶ درصد نسبتاً زیاد و ۴/۲ درصد احساس محرومیت نسبی بالا داشته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد ۱۹/۳ درصد از پاسخگویان شهر خرم‌آباد دارای احساس محرومیت نسبی کم، ۴۸ درصد دارای احساس محرومیت نسبی نسبتاً کم و ۲۶/۷ درصد دارای احساس محرومیت نسبی نسبتاً زیاد و ۵/۴ درصد دارای احساس محرومیت نسبی بالا می‌باشند. همچنین نتایج در بین پاسخگویان شهر یزد نشان می‌دهد که ۱۶/۵ درصد از پاسخگویان دارای احساس محرومیت نسبی کم، ۵۵ درصد نسبتاً کم، ۲۶/۷ درصد نسبتاً زیاد و ۵/۴ درصد از پاسخگویان

دارای احساس محرومیت نسبی بالا می‌باشند.

جدول ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان احساس محرومیت نسبی

گروه‌ها				کل		میزان احساس محرومیت نسبی	
یزد		خرم‌آباد					
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	دامنه امتیازات	سطح
۱۶/۵	۳۳	۱۹/۳	۳۹	۱۷/۹	۷۲	۸-۱۶	کم
۵۵/۰	۱۱۰	۴۸/۰	۹۷	۵۱/۵	۲۰۷	۱۷-۲۴	نسبتاً کم
۲۶/۷	۴۹	۲۶/۷	۵۴	۲۵/۶	۱۰۳	۲۵-۳۲	نسبتاً زیاد
۵/۴	۶	۵/۴	۱۱	۴/۲	۱۷	۳۳-۴۰	زیاد
۹۹/۰	۱۹۸	۹۹/۵	۲۰۱	۹۹/۳	۳۹۹	۸-۴۰	جمع
۱/۰	۲	۰/۵	۱	۰/۷	۳	-	بدون جواب
۲/۱۴		۲/۱۸		۲/۱۶		میانگین	
۰/۷۲۰		۰/۸۰۷		۰/۷۶۴		انحراف معیار	

• آمارهای دو متغیری

جدول شماره (۵) آزمون تی برای مقایسه میانگین بزهکاری دانش‌آموزان شهرهای خرم‌آباد و یزد را نشان می‌دهد. خروجی جدول نشان می‌دهد که میانگین میزان بزهکاری برای دانش‌آموزان شهر خرم‌آباد برابر (۴۶/۳۳۶۶) و برای دانش‌آموزان شهر یزد برابر (۴۲/۰۰۰۰) شده است. t محاسبه شده برابر (۳/۵۷۰) شده است که از مقدار تی جدول با در نظر گرفتن پنج درصد خطا بیشتر است؛ بنابراین وجود تفاوت بین شهرهای خرم‌آباد و یزد به لحاظ میزان بزهکاری معنی‌دار است.

جدول ۵: آزمون تی برای مقایسه میانگین بزهکاری دانش‌آموزان شهرهای خرم‌آباد و یزد

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آزمون لون		t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری دوسویه
					f	سطح معنی‌داری			
بزهکاری	خرم‌آباد	۲۰۲	۴۶/۳۳۶۶	۱۳/۶۷۵۱	۱۳/۱۲۹	۰/۰۰۰	۳/۵۷۰	۳۷۹/۴۵۱	۰/۰۰۰
	یزد	۲۰۰	۴۲/۰۰۰۰	۱۰/۴۸۲۸					

جدول شماره (۶) نشان‌دهنده رابطه متغیرهای مستقل تحقیق با میزان بزهکاری به تفکیک شهرهای خرم‌آباد و یزد است. با توجه به اینکه متغیرهای مستقل در سطح فاصله‌ای می‌باشند از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی این فرضیه‌ها استفاده شده است. نتایج جدول حاکی

از آن است که متغیرهای کنترل اجتماعی غیررسمی و سرمایه اجتماعی رابطه غیر معنی داری با میزان بزهکاری داشته‌اند. همچنین رابطه متغیرهای احساس محرومیت نسبی و آنومی در بین پاسخگویان شهر خرم‌آباد غیر معنی دار شده است اما بین پاسخگویان شهر یزد و همچنین بر حسب کل این رابطه مثبت و معنی دار شده است. در مقابل متغیر غضب اخلاقی رابطه مثبت و معنی دار و متغیر تعهد اجتماعی رابطه منفی و معنی دار داشته است. در استنتاج کلی این روابط نشان می‌دهد که با افزایش احساس محرومیت نسبی، احساس غضب اخلاقی و آنومی افزایش یافته و میزان سرمایه اجتماعی، تعهد اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی کاهش می‌یابد؛ که نتیجه این فرایند افزایش میزان بزهکاری در بین نوجوانان است.

جدول ۶: خروجی ضریب همبستگی برای آزمون رابطه متغیرهای مستقل اصلی تحقیق با میزان بزهکاری به تفکیک شهرهای خرم‌آباد و یزد

متغیر	گروه‌ها	تعداد	ضریب پیرسون	سطح معنی داری
رابطه احساس محرومیت نسبی با میزان بزهکاری	خرم‌آباد	۲۰۱	۰/۰۶۹	۰/۳۳۳
	یزد	۱۹۸	۰/۱۷۹	۰/۰۱۲
	کل	۳۹۹	۰/۱۱۹	۰/۰۱۸
رابطه سرمایه اجتماعی با میزان بزهکاری	خرم‌آباد	۲۰۲	-۰/۰۸۶	۰/۲۲۵
	یزد	۲۰۰	-۰/۱۱۷	۰/۱۰۰
	کل	۴۰۲	-۰/۰۸۸	۰/۰۷۹
رابطه احساس غضب اخلاقی با میزان بزهکاری	خرم‌آباد	۲۰۲	۰/۵۷۶**	۰/۰۰۰
	یزد	۲۰۰	۰/۶۳۲**	۰/۰۰۰
	کل	۴۰۲	۰/۶۰۶**	۰/۰۰۰
رابطه احساس آنومی با میزان بزهکاری	خرم‌آباد	۲۰۲	۰/۰۸۳	۰/۲۴۱
	یزد	۲۰۰	۰/۲۸۰**	۰/۰۰۰
	کل	۴۰۲	۰/۱۷۱**	۰/۰۰۱
رابطه تعهد اجتماعی با میزان بزهکاری	خرم‌آباد	۲۰۲	-۰/۱۸۵**	۰/۰۰۸
	یزد	۲۰۰	-۰/۳۵۶**	۰/۰۰۰
	کل	۴۰۲	-۰/۲۳۹**	۰/۰۰۰
رابطه کنترل اجتماعی غیررسمی با میزان بزهکاری	خرم‌آباد	۲۰۲	۰/۰۱۵	۰/۸۳۸
	یزد	۲۰۰	-۰/۱۲۵	۰/۰۷۹
	کل	۴۰۲	-۰/۰۵۳	۰/۲۹۰

• آمارهای چند متغیری

الف) تحلیل رگرسیون چند متغیری

• مشارکت نسبی متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته بر حسب شهر خرم‌آباد

جدول شماره (۷) نشان‌دهنده رگرسیون متغیرهای مستقل در تبیین بزهکاری در میان پاسخگویان شهر خرم‌آباد است، بدین‌صورت که براساس مدل نظری تحقیق با استفاده از روش Enter متغیرها به‌صورت تدریجی و در ۱۰ گام وارد مدل شده‌اند و به‌منظور اعتبار این مدل‌ها، رابطه هم‌خطی بین متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفته شده است. بر پایه قرار داد هر چه مقدار ضریب تولرانس بیشتر (نزدیک به عدد ۱) باشد، میزان هم‌خطی کمتر است. هر چقدر عامل تورم واریانس (VIF) از عدد ۲ بزرگ‌تر باشد هم‌خطی بیشتر است. آماره دوربین واتسون نیز در صورتی مطلوب است که بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد؛ بنابراین، با در نظر گرفتن این مقادیر نتایج جدول نشان می‌دهد که:

در مدل شماره ۱ متغیر احساس محرومیت نسبی به‌تنهایی وارد مدل شده است. آزمون تی و سطح معنی‌داری موجود در مدل نشان می‌دهد که متغیر احساس محرومیت نسبی تأثیر معناداری در تبیین متغیر بزهکاری نداشته است. در مدل شماره ۲ متغیرهای احساس محرومیت نسبی، غضب اخلاقی و کنترل اجتماعی غیررسمی وارد مدل شده‌اند. آماره تی نشان می‌دهد که تنها متغیر غضب اخلاقی تأثیر معناداری در تبیین متغیر بزهکاری داشته است که با وارد شدن در مدل باعث معناداری مدل شده است. ضریب تعیین در این مدل برابر با ۰/۳۳۵ شده و ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با ۰/۳۲۴ است. به‌عبارت‌دیگر، متغیرهای موجود در مدل ۳۲/۴٪ از تغییرات متغیر بزهکاری را تبیین می‌نمایند. حداقل مقدار تولرانس نیز برابر با ۰/۹۳۳ است. عامل تورم واریانس نیز از ۲ کمتر است؛ بنابراین، می‌توان اظهار نمود که میزان هم‌خطی بین متغیرهای مستقل پایین است. آماره دوربین واتسون نیز برابر با ۱/۷۶۹ شده است که نشان‌دهنده این است که مطلوبیت مدل برقرار است.

در مدل شماره ۳، متغیرهای احساس محرومیت نسبی، غضب اخلاقی، تعهد اجتماعی و متغیر کنترل اجتماعی غیررسمی وارد شده‌اند؛ اما از بین آن‌ها تنها متغیر غضب اخلاقی و تعهد اجتماعی تأثیر معناداری در تبیین میزان بزهکاری داشته‌اند. ضریب تعیین در این مدل نیز برابر با ۰/۳۵۱ است و ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر با ۰/۳۳۸ درصد است. در واقع، ۳۳/۸ درصد از تغییرات میزان بزهکاری توسط متغیرهای موجود در مدل تبیین می‌شود. حداقل مقدار تولرانس موجود در مدل برابر با ۰/۸۹۸ است و حداکثر مقدار ضریب عامل تورم واریانس ۱/۱۱۴ است که فاصله زیادی با عدد (۲) دارد. آماره دوربین واتسون نیز ۱/۷۵۴ شده است، بنابراین مطلوبیت مدل برقرار است.

در مدل شماره ۴، علاوه بر متغیرهای احساس محرومیت نسبی، غضب اخلاقی، تعهد اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی، متغیر سرمایه اجتماعی نیز وارد مدل شده است. آماره

تی نشان می‌دهد که متغیر غضب اخلاقی تأثیر معناداری در تبیین متغیر میزان بزهکاری داشته است. ضریب تعیین موجود در این مدل $0/352$ شده و ضریب تعیین تعدیل شده نیز برابر با $0/336$ است. به عبارت دیگر، متغیرهای وارد شده در مدل $33/6$ از تغییرات متغیر بزهکاری را تبیین می‌کنند. مقدار تولرانس ۳ متغیر احساس محرومیت نسبی، غضب اخلاقی و کنترل اجتماعی غیررسمی بالاتر از بقیه متغیرها و حداقل تولرانس موجود در مدل برابر با $0/780$ شده است. حداکثر مقدار ضریب تورم واریانس $1/282$ شده است و کمتر از ۲ است. آماره دوربین واتسون $1/744$ شده است بنابراین، می‌توان اظهار نمود میزان هم خطی بین متغیرهای مستقل پایین است و مطلوبیت مدل برقرار است.

در مدل شماره ۵ نیز متغیرهای غضب اخلاقی و کنترل اجتماعی غیررسمی از مدل حذف شده‌اند. با حذف این دو متغیر سطح معنی‌داری مدل برابر با $0/097$ شده است که نشان می‌دهد مدل معنی‌دار نیست؛ بنابراین، این دو متغیر تأثیر زیادی در معنی‌داری مدل داشته‌اند. در مدل شماره ۶ متغیرهای احساس محرومیت نسبی، سرمایه اجتماعی، انومی، تعهد اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی با هم وارد مدل شده‌اند و سطح معنی‌داری مدل برابر با $0/105$ شده است؛ بنابراین، مدل معنی‌دار نیست.

در مدل شماره ۷ متغیرهای احساس محرومیت نسبی، انومی، تعهد اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی وارد مدل شده‌اند و متغیر سرمایه اجتماعی از مدل حذف شده است. حذف این متغیر نیز تأثیری در معناداری مدل نداشته است. در مدل شماره ۸ متغیرهای احساس محرومیت نسبی، انومی و کنترل اجتماعی غیررسمی با هم وارد مدل شده‌اند و متغیر تعهد اجتماعی از مدل حذف شده است. سطح معنی‌داری موجود در مدل نشان می‌دهد که مدل معنادار نیست. در مدل شماره ۹ متغیر انومی به تنهایی وارد مدل شده است و متغیرهای احساس محرومیت نسبی و کنترل اجتماعی غیررسمی از مدل حذف شده‌اند. آماره تی و سطح معنی‌داری موجود در مدل نشان‌دهنده عدم معناداری مدل می‌باشند.

در نهایت، مدل شماره ۱۰ همه متغیرهای مستقل را با هم وارد نموده است. ضریب تعیین در این مدل، برابر با $0/357$ و ضریب تعیین تعدیل شده $0/337$ است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که متغیرهای موجود در مدل $33/7$ درصد از تغییرات متغیر میزان بزهکاری را تبیین می‌نمایند. کمترین مقدار تولرانس موجود در مدل برابر با $0/780$ و عامل تورم واریانس نیز از ۲ کمتر است. مقدار آماره دوربین واتسون $1/731$ شده است؛ بنابراین مطلوبیت مدل برقرار است.

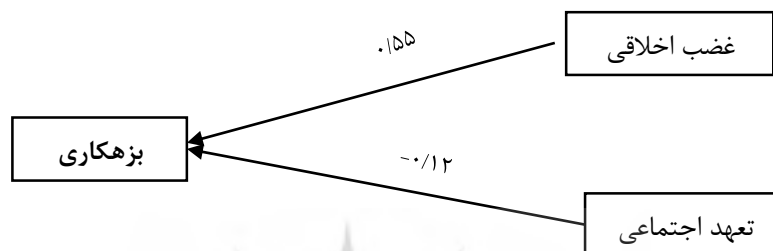
جدول ۷: ضرایب استاندارد رگرسیون متغیرهای مستقل اصلی تحقیق بر روی بزهکاری در میان پاسخگویان شهر خرم‌آباد

مدل ۱۰	مدل ۹	مدل ۸	مدل ۷	مدل ۶	مدل ۵	مدل ۴	مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱	متغیر مستقل	
۰/۰۲۱		۰/۰۴۶	۰/۰۱۱	۰/۰۱۲	۰/۰۱۶	۰/۰۲۵	۰/۰۲۴	۰/۰۴۸	۰/۰۵۱	Beta	محرومیت نسبی
۰/۳۶۲		۰/۶۴۹	۰/۱۵۴	۰/۱۶۶	۰/۲۲۶	۰/۴۲۴	۰/۴۰۶	۰/۸۲۶	۰/۷۲۴	T	
۰/۹۵۶		۰/۹۹۱	۰/۹۵۸	۰/۹۵۶	۰/۹۵۹	۰/۹۵۹	۰/۹۶۰	۰/۹۳۳	۱/۰۰۰	Tolerance	
۱/۰۶۴		۱/۰۰۹	۱/۰۴۴	۱/۰۴۶	۱/۰۴۳	۱/۰۴۳	۱/۰۴۱	۱/۰۰۷	۱/۰۰۰	VIF	
-۰/۰۲۹				-۰/۰۲۳	-۰/۰۲۶	-۰/۰۳۱				Beta	سرمایه اجتماعی
-۰/۴۵۳				-۰/۳۰۳	-۰/۳۳۹	-۰/۴۹۰				T	
۰/۸۱۸				۰/۸۱۸	۰/۸۱۹	۰/۸۱۹				Tolerance	
۱/۲۲۳				۱/۰۲۳	۱/۲۲۱	۱/۲۲۲				VIF	
۰/۵۶۱						۰/۵۶۳	۰/۵۶۳	۰/۵۷۶		Beta	غضب اخلاقی
۹/۷۱۹						۹/۷۳۷	۹/۷۵۳	۹/۹۳۶		T	
۰/۹۸۹						۰/۹۸۹	۰/۹۸۹	۱/۰۰۰		Tolerance	
۱/۰۱۱						۱/۰۱۱	۱/۰۱۱	۱/۰۰۰		VIF	
۰/۰۶۸	۰/۰۸۳	۰/۰۸۰	۰/۰۸۱	۰/۰۸۰						Beta	آنومی
۱/۱۶۵	۱/۱۷۶	۱/۱۱۹	۱/۱۴۵	۱/۱۳۳						T	
۰/۹۷۷	۱/۰۰۰	۰/۹۷۸	۰/۹۰۷	۰/۹۷۷						Tolerance	
۱/۰۲۴	۱/۰۰۰	۱/۰۲۲	۱/۱۰۰	۱/۰۲۳						VIF	
-۰/۱۲۷			-۰/۱۹۸	-۲/۴۱۱	-۰/۱۸۸	-۰/۱۲۶	-۱/۱۲۷			Beta	تعهد اجتماعی
-۱/۹۵۳			-۲/۷۱۲	-۰/۰۱۷	-۲/۳۹۳	-۱/۹۲۲	-۲/۲۶۷			T	
۰/۷۸۰			۰/۹۷	۰/۷۸۸	۰/۷۸۸	۰/۷۸۰	۰/۸۹۸			Tolerance	
۱/۲۸۲			۱/۱۰۲	۱/۲۶۹	۱/۲۶۲	۱/۲۸۲	۱/۱۱۴			VIF	
۰/۰۴۴		۰/۰۰۰	۰/۰۵۲	۰/۰۵۵		۰/۰۵۳	۰/۰۴۹	۰/۰۴۸		Beta	کنترل اجتماعی غیررسمی
۰/۷۲۲		۰/۰۰۳	۰/۷۰۸	۰/۷۴۵		۰/۸۸۰	۰/۸۱۸	۰/۸۲۶		T	
۰/۸۸۷		۰/۹۷۶	۰/۹۰۹	۰/۸۸۷		۰/۹۰۳	۰/۹۲۳	۰/۹۹۳		Tolerance	

۱/۱۲۷		۱/۰۲۵	۱/۱۰۰	۱/۱۲۷		۱/۱۰۸	۱/۰۸۳	۱/۰۰۷		VIF	
۱۸/۰۲۰	۱/۳۸۴	۰/۵۹۹	۲/۳۰۲	۱/۸۵۱	۱/۹۹۱	۰/۳۱۴	۲۶/۶۸۶	۳۳/۱۷۵	۰/۵۲۴	F	
۰/۰۰۰	۰/۲۴۱	۰/۶۱۷	۰/۰۶۰	۰/۱۰۵	۰/۰۹۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۷۰	Sig	
۰/۵۹۷	۱/۳۸۴	۰/۰۹۵	۰/۲۱۱	۰/۲۱۲	۰/۱۹۷	۰/۵۹۳	۰/۵۹۳	۰/۵۷۸	۰/۰۵۱	R	
۰/۳۵۷	۰/۰۸۳	۰/۰۰۹	۰/۰۴۵	۰/۰۴۵	۰/۰۳۹	۰/۳۵۲	۰/۳۵۱	۰/۳۳۵	۰/۰۰۳	R ²	
۰/۳۳۷	۰/۰۰۷	۰/۰۰۶	۰/۰۲۵	۰/۰۲۱	۰/۰۱۹	۰/۳۳۶	۰/۳۳۸	۰/۳۲۴	۰/۰۰۲	Adjusted R square	
۱/۷۳۱	۱/۶۸۷	۱/۷۰۶	۱/۶۶۸	۱/۶۶۲	۱/۶۷۱	۱/۷۴۴	۱/۷۵۴	۱/۷۶۹	۱/۷۱۱	Durbin-Watson	
۲۰۲	۲/۰۳۵	۲۰۲	۲۰۲	۲۰۲	۲۰۲	۲۰۲	۲۰۲	۲۰۲	۲۰۲	تعداد	



برای درک بهتر متغیرهایی که به‌طور معنادار با میزان بزهکاری در شهر خرم‌آباد رابطه داشته‌اند، مدل ۱۰ به‌عنوان مدل نهایی به‌صورت شماتیک در شکل شماره (۱) آورده شده است. در این مدل اگر سایر متغیرها ثابت نگه داشته شوند، به ازای یک واحد افزایش در غضب اخلاقی، میزان بزهکاری ۰/۵۵ افزایش خواهد یافت. همچنین در مدل مذکور، با ازای یک واحد افزایش در تعهد اجتماعی، میزان بزهکاری ۰/۱۲ کاهش خواهد داشت.



شکل ۱: مدل تحلیلی میزان تأثیرات همزمان متغیرهای مستقل بر میزان بزهکاری پاسخگویان شهر خرم‌آباد

- مشارکت نسبی متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته بر حسب شهر یزد

جدول شماره (۸) نشان‌دهنده رگرسیون متغیرهای مستقل در تبیین بزهکاری در میان پاسخگویان شهر یزد است، بدین‌صورت که براساس مدل نظری تحقیق با استفاده از روش Enter متغیرها به‌صورت تدریجی و در ۱۰ گام وارد مدل شده‌اند. نتایج جدول نشان می‌دهد که:

در مدل شماره ۱ متغیر احساس محرومیت نسبی به‌تنهایی وارد مدل شده است. آزمون تی نشان می‌دهد که متغیر احساس محرومیت نسبی تأثیر معناداری در تبیین متغیر بزهکاری داشته است. مقدار R در جدول ۰/۱۵۴ شده است، ضریب تعیین برابر با ۰/۰۲۴ شده است و ضریب تعیین تعدیل شده نیز ۰/۰۱۹ است و به این معناست که این متغیر ۱/۹ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌نماید. مقدار تولرانس و عامل تورم واریانس به این دلیل که تنها یک متغیر وارد مدل شده است برابر با ۱ شده است. آماره دوربین واتسون برابر با ۱/۹۴۹ است که مطلوبیت معادله رگرسیونی را نشان می‌دهد.

در مدل شماره ۲، متغیرهای احساس محرومیت نسبی، غضب اخلاقی و کنترل اجتماعی غیررسمی وارد مدل شده‌اند. آماره تی نشان می‌دهد که تنها متغیر غضب اخلاقی تأثیر معناداری در تبیین متغیر بزهکاری داشته است که با وارد شدن در مدل باعث غیر معناداری احساس محرومیت نسبی شده است. ضریب تعیین در مدل مذکور برابر با ۰/۴۰۴ شده و

ضریب تعیین تعدیل شده نیز ۰/۳۹۵ است. به عبارت دیگر، متغیرهای موجود در مدل ۳۹/۵ از تغییرات متغیر بزهکاری را تبیین می‌نمایند. حداقل مقدار تولرانس نیز برابر با ۰/۶۶۹ است که نشان می‌دهد میزان هم‌خطی کم برقرار است. عامل تورم واریانس نیز از ۲ کمتر است. آماره دوربین واتسون نیز برابر با ۲/۱۲۸ درصد شده است که نشان‌دهنده مطلوبیت مدل است. در مدل شماره ۳، متغیرهای احساس محرومیت نسبی، غضب اخلاقی، تعهد اجتماعی و متغیر کنترل اجتماعی غیررسمی وارد شده‌اند که از بین آن‌ها تنها متغیر غضب اخلاقی و تعهد اجتماعی تأثیر معناداری در تبیین میزان بزهکاری داشته‌اند. ضریب تعیین در این مدل نیز برابر با ۰/۴۰۹ بوده و ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۳۹۷ درصد است که نشان‌دهنده این است که ۳۹/۷ درصد از تغییرات میزان بزهکاری توسط متغیرهای موجود در مدل تبیین می‌شود. حداقل مقدار تولرانس موجود نیز در مدل برابر با ۰/۷۹۰ است و مقدار تورم واریانس کمتر از ۲ است. آماره دوربین واتسون نیز ۲/۱۲۴ شده است، بنابراین مطلوبیت مدل برقرار است.

مدل ۴ نشان می‌دهد که متغیرهای احساس محرومیت نسبی، سرمایه اجتماعی، غضب اخلاقی، تعهد اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی وارد مدل شده‌اند. آماره تی نشان می‌دهد که تنها رابطه متغیر غضب اخلاقی مثبت و معنادار و رابطه متغیر تعهد اجتماعی منفی و معنادار شده است. ضریب تعیین در این مدل برابر با ۰/۴۱۱ بوده و ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۳۹۶ است. به عبارت دیگر، متغیرهای وارد شده در مدل ۳۹/۶ از تغییرات متغیر بزهکاری را تبیین می‌کنند. حداقل تولرانس موجود در مدل برابر با ۰/۷۸۹ شده است و مقدار تورم واریانس کمتر از ۲ است. آماره دوربین واتسون نیز ۲/۱۵۱ است؛ بنابراین، مطلوبیت مدل برقرار است. در مدل شماره ۵ متغیرهای احساس محرومیت نسبی، سرمایه اجتماعی و تعهد اجتماعی و کنترل اجتماعی با هم وارد مدل شده‌اند و متغیر غضب اخلاقی از مدل حذف شده است. آماره تی نشان می‌دهد که حذف متغیر غضب اخلاقی سبب معنی‌داری متغیر تعهد اجتماعی در مدل شده است. ضریب تعیین در مدل مذکور، برابر با ۰/۱۴۰ و ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۱۲۲ است. به این معنی که ۱۲/۲ از تغییرات متغیر میزان بزهکاری توسط متغیرهای موجود در مدل تبیین می‌شود. حداقل تولرانس موجود در مدل برابر با ۰/۷۹۹ شده است و مقدار تورم واریانس کمتر از ۲ است. آماره دوربین واتسون نیز ۱/۹۵۲ شده است؛ بنابراین مطلوبیت مدل برقرار است.

در مدل شماره ۶، متغیرهای احساس محرومیت نسبی، سرمایه اجتماعی، انومی، تعهد

اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی با هم وارد مدل شده‌اند. ضریب همبستگی در مدل حاضر ۰/۴۶۵ و ضریب تعیین ۰/۲۰۸ و ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۱۸۸ شده است به این معنی که ۱۸/۸ درصد از تغییرات متغیر میزان بزهکاری توسط متغیرهای موجود در مدل تبیین می‌شود. حداقل تولرانس موجود در مدل برابر با ۰/۷۹۷ شده است و مقدار تورم واریانس کمتر از ۲ است. آماره دوربین واتسون ۱/۹۹۵ شده است؛ بنابراین مطلوبیت مدل برقرار است. در مدل شماره ۷ نیز، متغیرهای احساس محرومیت نسبی، آنومی، تعهد اجتماعی و کنترل اجتماعی غیررسمی وارد مدل شده‌اند و متغیر سرمایه اجتماعی از مدل حذف شده است. آماره تی نشان می‌دهد که متغیرهای تعهد اجتماعی و آنومی در مدل معنادار شده‌اند. ضریب همبستگی در مدل حاضر ۰/۴۵۵ و ضریب تعیین ۰/۲۰۷ و ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۱۹۱ شده است. به این معنی که ۱۹/۱ درصد از تغییرات متغیر میزان بزهکاری توسط متغیرهای موجود در مدل تبیین می‌شود. حداقل تولرانس موجود در مدل برابر با ۰/۹۱۶ شده است و مقدار تورم واریانس کمتر از ۲ است. آماره دوربین واتسون ۱/۹۸۷ شده است؛ بنابراین مطلوبیت مدل برقرار است.

در مدل شماره ۸، متغیرهای احساس محرومیت نسبی، آنومی و کنترل اجتماعی غیررسمی با هم وارد مدل شده‌اند و متغیر تعهد اجتماعی از مدل حذف شده است. آماره تی نشان می‌دهد که هر سه متغیر موجود در مدل معنادار شده‌اند. ضریب همبستگی در مدل حاضر ۰/۳۴۳ و ضریب تعیین ۰/۲۰۷ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۱۱۸ است. به عبارت دیگر ۱۰/۴ درصد از تغییرات متغیر میزان بزهکاری توسط متغیرهای موجود در مدل تبیین می‌شود. حداقل تولرانس موجود در مدل برابر با ۰/۹۹۱ شده است و مقدار تورم واریانس کمتر از ۲ است. آماره دوربین واتسون ۲/۰۰۷ شده است؛ بنابراین، مطلوبیت مدل برقرار است.

در مدل شماره ۹، متغیرهای احساس محرومیت نسبی و کنترل اجتماعی غیررسمی از مدل حذف شده‌اند و متغیر آنومی به تنهایی وارد مدل شده است. آماره تی و سطح معنی‌داری موجود در مدل نشان‌دهنده معناداری مدل می‌باشند. ضریب همبستگی در مدل حاضر ۰/۲۸۰ و ضریب تعیین ۰/۰۷۹ و ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۰۷۴ شده است به این معنی که ۷/۴ درصد از تغییرات متغیر میزان بزهکاری توسط متغیر آنومی تبیین می‌شود. همچنین، به این دلیل که تنها یک متغیر در مدل وارد شده است، مقدار تولرانس و تورم واریانس برابر با یک شده‌اند. آماره دوربین واتسون ۲/۰۳۵ شده است؛ بنابراین، مطلوبیت مدل برقرار است.

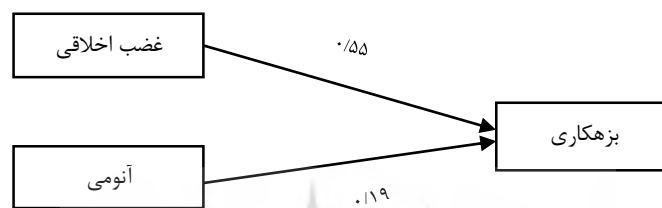
در نهایت، در مدل شماره ۱۰ همه متغیرهای مستقل با هم وارد مدل شده‌اند؛ اما تنها

متغیرهای غضب اخلاقی و آنومی معنادار شده‌اند. ضریب همبستگی برابر با $0/668$ شده است، ضریب تعیین برابر با $0/446$ و ضریب تعیین تعدیل شده $0/429$ است. به عبارت دیگر، متغیرهای موجود در مدل $42/9$ درصد از تغییرات متغیر میزان بزهکاری را تبیین می‌نمایند. مقدار تولرانس سه متغیر احساس محرومیت نسبی، آنومی و کنترل اجتماعی غیررسمی بالاتر از بقیه متغیرها و حداقل $0/932$ است که نشان می‌دهد سایر متغیرهای مستقل در مدل نتوانسته‌اند میزان زیادی از واریانس این سه متغیر را تبیین نمایند. حداکثر عامل تورم واریانس نیز برابر با $1/458$ است که فاصله زیادی با عدد ۲ دارد؛ بنابراین، از طریق این شاخص نیز می‌توان به میزان پایین هم‌خطی بین متغیرهای مستقل پی برد. مقدار آماره دوربین واتسون نیز $2/185$ شده است؛ بنابراین، مطلوبیت مدل برقرار است.



										T	کنترل اجتماعی غیررسمی
										Tolerance	
										VIF	
-۰/۰۴۷		-۰/۱۴۹	-۰/۰۷۴	-۰/۰۷۵	-۰/۰۵۹	-۰/۰۳۳	-۰/۰۳۱	-۰/۰۴۵			
-۰/۸۳۹		-۲/۲۰۷	-۱/۱۱۵	-۱/۱۳۶	-۰/۸۵۵	-۰/۵۴۸	-۰/۵۳۷	-۰/۸۰۷			
۰/۹۲۹		۰/۹۹۴	۰/۹۳۵	۰/۹۳۲	۰/۹۳۶	۰/۹۳۴	۰/۹۳۶	۰/۹۷۵			
۱/۰۷۶		۱/۰۰۶	۱/۰۶۹	۱/۰۷۲	۱/۰۶۸	۱/۰۷۱	۱/۰۶۸	۱/۰۲۶			
۲۵/۹۱۱	۱۶/۸۸۹	۸/۷۳۵	۱۲/۷۳۳	۱۰/۱۸۸	۷/۹۴۳	۲۷/۱۰۸	۳۳/۶۹۲	۴۴/۲۲۵	۴/۷۸۶	F	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۳۰	Sig	
۰/۶۶۸	۰/۲۸۰	۰/۳۴۳	۰/۴۵۵	۰/۴۶۵	۰/۳۴۷	۰/۶۴۱	۰/۶۳۹	۰/۶۳۵	۰/۱۵۴	R	
۰/۴۴۶	۰/۰۷۹	۰/۱۱۸	۰/۲۰۷	۰/۲۰۸	۰/۱۴۰	۰/۴۱۱	۰/۴۰۹	۰/۴۰۴	۰/۰۲۴	R ²	
۰/۴۲۹	۰/۰۷۴	۰/۱۰۴	۰/۱۹۱	۰/۱۸۸	۰/۱۲۲	۰/۳۹۶	۰/۳۹۷	۰/۳۹۵	۰/۰۱۹	Adjusted R square	
۲/۱۸۵	۲/۰۳۵	۲/۰۰۷	۱/۹۸۷	۱/۹۹۵	۱/۹۵۲	۲/۱۵۱	۲/۱۲۴	۲/۱۲۸	۱/۹۴۹	Durbin-Watson	
۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	تعداد	

برای درک بهتر تأثیر متغیرهایی که به‌طور معنادار با میزان بزهکاری رابطه داشته‌اند، مدل ۱۰ به‌عنوان مدل نهایی به‌صورت شماتیک در شکل شماره (۲) آورده شده است. در این مدل اگر سایر متغیرها ثابت نگه داشته شوند، به ازای یک واحد افزایش در غضب اخلاقی، میزان بزهکاری ۰/۵۵ افزایش خواهد یافت. همچنین، به میزان یک واحد افزایش در آنومی میزان بزهکاری ۰/۱۹ افزایش خواهد یافت. به‌عبارت‌دیگر، متغیرهای غضب اخلاقی و آنومی باعث افزایش بزهکاری شده‌اند.

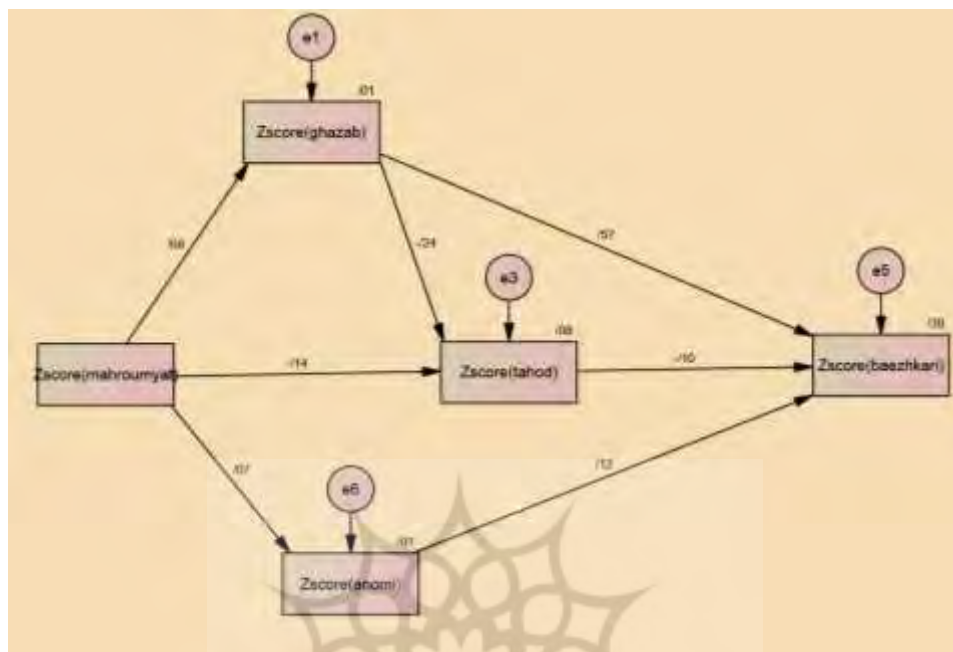


شکل ۲: مدل تحلیلی میزان تأثیرات متغیرهای مستقل بر بزهکاری در شهر یزد

به‌طور کلی، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از جداول رگرسیونی و همچنین مقایسه نتایج به‌دست‌آمده برای پاسخگویان هر دو شهر، می‌توان گفت که در حالت کلی متغیر احساس محرومیت نسبی به‌عنوان متغیر مستقل اصلی تحقیق تنها در مدل‌های شماره ۱ و ۸ در بین پاسخگویان شهر یزد معنادار شده است، اما در بین پاسخگویان شهر خرم‌آباد معنادار نشده است. همچنین متغیرهای کنترل اجتماعی غیررسمی و سرمایه اجتماعی در بین پاسخگویان هر دو شهر معنادار نشده‌اند. در نهایت، مدل شماره ۱۰ که به‌عنوان نتیجه‌گیری نهایی در بین پاسخگویان هر دو شهر مدنظر قرار گرفته است، نشان‌دهنده این است که در بین پاسخگویان شهر خرم‌آباد متغیرهای غضب اخلاقی و تعهد اجتماعی معنادار شده‌اند و ۳۳/۷ درصد از تغییرات متغیر میزان بزهکاری را تبیین نموده‌اند. در مقابل بین پاسخگویان شهر یزد متغیرهای غضب اخلاقی و آنومی معنادار شده‌اند و ۴۲/۹ درصد از تغییرات متغیر میزان بزهکاری را تبیین کرده‌اند. مقادیر به‌دست‌آمده از ارزیابی رابطه هم خطی متغیرهای مستقل موجود در مدل نیز نشان‌دهنده مطلوبیت مدل است.

ب) تحلیل معادلات ساختاری

در این قسمت، جهت آزمون نهایی مدل مفهومی تحقیق از مدل‌سازی معادلات ساختاری به کمک نرم‌افزار آماری Amos استفاده شده است. شکل شماره (۳) اصلاح‌شده مدل مفهومی تحقیق به همراه ضرایب رگرسیونی استاندارد شده است:



شکل ۳: مدل تأثیر متغیرهای تحقیق بر بزهکاری دانش آموزان

ضرایب استاندارد درون مدل نشان می‌دهند که متغیر احساس محرومیت نسبی با ضریب $0/070$ به صورت غیرمستقیم بر متغیر بزهکاری تأثیر داشته است. متغیر غضب اخلاقی نیز با ضریبی به مقدار $0/59$ به صورت مستقیم بر متغیر بزهکاری تأثیر داشته است. بدین معنی که هر چه غضب اخلاقی افزایش یابد، میزان بزهکاری نیز افزایش می‌یابد. همچنین، متغیر آنومی به صورت مستقیم با ضریب $0/12$ بر میزان بزهکاری تأثیر ضعیفی داشته است؛ یعنی هر چه آنومی افزایش یابد بزهکاری نیز افزایش می‌یابد، اما این افزایش در سطح ضعیف است. متغیر تعهد اجتماعی نیز با ضریب $-0/10$ تأثیر معکوس و ضعیفی بر بزهکاری داشته است:

جدول ۹: ضرایب رگرسیون استاندارد مسیرهای مدل

کل	نوع اثر		متغیرهای مستقل
	غیرمستقیم	مستقیم	
$0/070$	$0/070$	-	احساس محرومیت نسبی
$0/594$	$0/024$	$0/57$	غضب اخلاقی
$0/12$	-	$0/12$	آنومی
$-0/10$	-	$-0/10$	تعهد اجتماعی

در نهایت، به‌منظور بررسی برازش مدل پیشنهادی از چند شاخص استفاده شده است. بر پایه قرارداد، مقدار GFI، NFI، IFI، AGFI، TLI و CFI باید برابر یا بزرگ‌تر از ۰/۹ باشد تا مدل پذیرفته شود. در مدل حاضر، شاخص‌های مزبور بیشتر از ۰/۹ شده است که نشان‌دهنده مطلوبیت برازش مدل است. همچنین، شاخص کای اسکور نسبتی (CMIN/DF) در صورتی که کمتر از ۳ باشد مطلوب است که در مدل حاضر ۲/۲۷۰ شده است. شاخص RMSEA (که دامنه مطلوب آن کمتر از ۰/۰۸ است) برابر با ۰/۰۵۶ است. در مجموع، شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها، بیانگر این است که مدل مفروض تدوین‌شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شود، به‌عبارت‌دیگر، برازش داده‌ها با مدل برقرار است و همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل دارند.

جدول ۱۰: شاخص‌های نیکویی برازش مدل

شاخص	CMIN	GFI	AGFI	CFI	IFI	TLI	NFI	RMR	RMSEA
مدل پژوهش	۲/۲۷۰	۰/۹۹۱	۰/۹۷۸	۰/۹۷۱	۰/۹۷۹	۰/۹۳۵	۰/۹۶۳	۰/۰۳۶	۰/۰۵۶

نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق، بررسی رابطه احساس محرومیت نسبی و بزهکاری در بین نوجوانان شهرهای خرم‌آباد و یزد بود که به همین منظور طبق تئوری‌های مختلف، مکانیسم‌های تأثیرگذار مورد بررسی قرار گرفت و سپس با استفاده از آزمون‌های مختلف آماری روابط بین سازه‌های آن مورد تحلیل واقع شده و در نهایت، یافته‌های به‌دست‌آمده از آن مشخص گردید که برخی از مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

لهستانی‌زاده (۱۳۹۰)، نشان داد که هر اندازه افراد ساکن در مناطق حاشیه‌نشین احساس کنند با دیگر هم‌نوعان خود فاصله اجتماعی و اقتصادی بیشتری دارند، احساس نارضایتی در میان آن‌ها بیشتر شده و برای جبران این وضعیت به هر ابزار و وسیله‌ی دست خواهند زد که یکی از راه‌ها خشونت در مناطق حاشیه شهر است. همچنین (برنیورگ، ۲۰۰۹) نشان داد که تأثیرات محرومیت نسبی در خانواده به‌طور قابل‌توجهی ضعیف است، در مقابل این تأثیرات در جامعه و مدرسه جایی که محرومیت اقتصادی کم‌رنگ‌تر است، قوی‌تر است. علاوه بر این، طبق نظریه رئالیسم چپ در حالی که در جامعه سرمایه‌داری فرصت‌ها بیش‌ازپیش وجود دارد سطوح بالاتری از انتظارات وجود دارد و گرایش به ارزیابی موقعیت در مقایسه با موقعیت دیگران را

افزایش می‌دهد. با توجه به این نتایج تجربی و تئوریک، یافته‌های پژوهش حاضر نیز حاکی از آن بود که بین احساس محرومیت نسبی و بزهکاری بر حسب کل رابطه معناداری وجود داشته است. همچنین، بین احساس محرومیت نسبی و بزهکاری در شهر یزد رابطه معنی‌داری وجود داشت؛ اما بین احساس محرومیت نسبی و میزان بزهکاری در شهر خرم‌آباد رابطه معناداری مشاهده نگردید. در رابطه با این نتیجه، می‌توان اظهار نمود که چون شهر یزد شهری صنعتی است و در سال‌های اخیر شاهد مهاجرت و جذب قومیت‌های گوناگون به درون خود بوده است، در نهایت افرادی که وارد این شهر شده‌اند افرادی فقیر بوده که به مقایسه موقعیت خود با افرادی که موقعیت بالاتری دارند پرداخته‌اند که این وضعیت منجر به احساس بی‌عدالتی و نارضایتی در این افراد شده و مسائلی مانند بزهکاری را در پی داشته است؛ اما در مقابل، در بین پاسخگویان شهر خرم‌آباد که از جمله شهرهای محروم است به این دلیل که همه افراد در موقعیت یکسانی بوده‌اند، احساس محرومیت نسبی را تجربه نکرده‌اند؛ بنابراین پیشینه نظری و تجربی تحقیق از این یافته حمایت می‌نماید.

همچنین، نتایج به‌دست‌آمده از ضرایب رگرسیونی نشان می‌دهد که احساس محرومیت نسبی از طریق افزایش احساس غضب اخلاقی بر میزان بزهکاری تأثیر می‌گذارد. یافته‌های تحقیق سالازار و ویلا (۲۰۱۳) از این فرضیه حمایت می‌کند. آن‌ها معتقدند که تحت شرایط تله فقر، نابرابری اقتصادی اولیه و هزینه زیاد سرمایه انسانی باعث غضب اخلاقی می‌شود که در نتیجه، بزهکاری در یک چرخه مداوم تولید می‌شود.

یکی دیگر از نتایج این تحقیق عدم رابطه بین کنترل اجتماعی غیررسمی و میزان بزهکاری است. لازم به ذکر است رابطه این متغیر با میزان بزهکاری در شهرهای خرم‌آباد و یزد نیز معنادار نشده است. نتایج این فرضیه با نظریه کنترل اجتماعی هیرشی مغایرت دارد. بر اساس بعد وابستگی در نظریه هیرشی می‌توان استدلال کرد هر چه فرد تعاملات مثبت گرم‌تر و صمیمانه‌تری با والدین یا دیگران داشته باشد، بیشتر خود را مسئول می‌داند که باعث ممانعت از رفتارهای انحرافی می‌شود. علاوه بر این، تحقیق حاضر نشان داد که متغیر تعهد اجتماعی تأثیر منفی و معناداری بر بزهکاری دارد. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی می‌توان اظهار نمود که تعهد به درونی کردن ارزش‌ها توسط افراد اشاره می‌کند چنانچه در مدرسه ارزش‌ها و هنجارها برای افراد درونی نشود باعث می‌شود که افراد درک مسئولیت‌پذیری کمی داشته و به سمت رفتارهای بزهکارانه کشانده شوند؛ بنابراین، می‌توان اظهار کرد که هر چقدر احساس محرومیت نسبی در افراد بیشتر شود، احساس غضب اخلاقی بیشتر می‌گردد و هر چه احساس

غضب اخلاقی بیشتر شود تعهد اجتماعی کمتر می‌شود و در نتیجه پیامدهایی مانند بزهکاری را در پی دارد.

برنبورگ و همکاران (۲۰۰۹)، در تحقیق خود نشان دادند که احساس محرومیت نسبی پیامدهایی همچون خشم، بی‌هنجاری و بزهکاری را در پی دارد. دورکیم نیز معتقد است در یک جامعه سنتی به دلیل اینکه هنوز تقسیم کار رخ نداده جامعه انسجام خود را حفظ می‌کند اما در یک جامعه در حال گذار، انسجام از بین رفته و وجدان جمعی تضعیف می‌گردد که نتیجه این وضعیت به وجود آمدن وضعیت آنومیک در جامعه است که پیامد آن افزایش جرم و بزهکاری در جامعه است. در این راستا، تحقیق حاضر نیز نشان داد که بین احساس آنومی و بزهکاری بر حسب کل رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. یافته‌ها نیز، نشان داد که بین احساس آنومی و بزهکاری در شهر خرم‌آباد رابطه معناداری وجود نداشته است اما بین احساس آنومی و بزهکاری در شهر یزد رابطه معناداری وجود داشته است. نتایج این یافته را می‌توان با توجه به نظریه آنومی دورکیم تبیین کرد. چنان‌که قبلاً نیز ذکر شد شهر یزد شهری است که در سال‌های اخیر با پدیده صنعتی شدن مواجه شده و در حال گذار از وضعیت سنتی به وضعیت صنعتی است. این وضعیت باعث تضعیف وجدان جمعی شده و مسئله آنومی را به وجود آورده است. در مقابل شهر خرم‌آباد به دلیل اینکه هنوز جامعه‌ای سنتی است، انسجام خود را حفظ نموده و با مسئله آنومی که حاصل وضعیت انتقالی است، مواجه نشده است؛ بنابراین، این نظریه از یافته‌های به دست آمده از پژوهش حاضر حمایت می‌نماید.

با توجه به این که این پژوهش در سطح مدرسه بوده است می‌توان پیشنهادهای زیر را جهت کاهش احساس محرومیت نسبی و تمایل به بزهکاری در بین دانش‌آموزان ارائه داد:

- به دلیل اینکه افزایش تعهد اجتماعی باعث کاهش بزهکاری و رفتارهای انحرافی می‌شود پیشنهاد می‌شود بین معلمان و دانش‌آموزان تعاملات مثبت و گرمی برقرار باشد زیرا باعث دل بستگی بین معلمان و دانش‌آموزان می‌شود.
- به دلیل اینکه دانش‌آموزان در محیطی غیر از خانه احساس محرومیت نسبی را تجربه می‌کنند و مدرسه مکانی است که دانش‌آموز تقریباً نصف روز را در آنجا سپری می‌کنند پیشنهاد می‌شود در مدرسه افرادی که محروم هستند مورد حمایت قرار داده شوند تا کمتر به مقایسه خود با دیگران بپردازد.
- به دلیل اینکه مشارکت باعث افزایش دل بستگی در بین دانش‌آموزان می‌شود و سرمایه اجتماعی در دورن گروه‌ها تقویت می‌شود، پیشنهاد می‌گردد بدون چشم و هم‌چشمی

- همه دانش‌آموزان در فعالیت‌های مربوط به مدرسه و کلاس درس شرکت داده شوند.
- به دلیل اینکه درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها مانع از گرایش فرد به سمت رفتارهای انحرافی می‌شود و نیاز به کنترل اجتماعی رسمی را کم می‌کند، پیشنهاد می‌شود ارزش‌ها و هنجارهای مثبت را به نحوی به دانش‌آموزان آموزش دهند که درک مسئولیت‌پذیری را در آن‌ها بالا ببرد.
- با توجه به یافته‌های تحقیق غضب اخلاقی مهم‌ترین عامل گرایش به سمت بزهکاری بوده است؛ بنابراین، پیشنهاد می‌گردد برای مقابله با غضب اخلاقی فرهنگ مدارا را آموزش دهند، همچنین در مدارس کلاس‌هایی جهت آموزش کنترل خشم در بین دانش‌آموزان برگزار شود.
- در تحقیق حاضر، از جمله عواملی که بر بزهکاری تأثیرگذار بوده است، احساس انومی بود. با توجه به این یافته پیشنهاد می‌شود قوانین و مقررات به صورت یکسان برای همه اجرا شود تا از بی‌ثباتی و بی‌هنجاری‌ها جلوگیری گردد.

منابع

- ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۸۹). *نظریه‌های جرم‌شناسی و بزهکاری با تأکید بر شناخت اجتماعی*، چاپ اول، تهران: ارجمند.
- احمدی، حبیب (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی انحرافات*، چاپ ششم، تهران: سمت.
- آبر کرامبی، نیکلاس؛ هیل، استفن؛ اس ترنر، برایان (۱۳۷۰). *فرهنگ جامعه‌شناسی*، ترجمه پویان، حسن، جلد دوم، تهران: انتشارات چاپخش.
- آلبو کردی، سجاد (۱۳۸۹). بررسی و مقایسه الگوهای ارتباطی خانواده، نظارت والدین و ساختار خانواده در نوجوانان پسر بزهکار و غیربزهکار. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده، دانشگاه تربیت معلم، تهران.
- جوانمرد، کرم‌اله (۱۳۹۰). *پایگاه اجتماعی اقتصادی خانواده و بزهکاری نوجوانان*، چاپ اول، تهران: جامعه‌شناسان.
- چلبی، مسعود (۱۳۹۰). *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*، چاپ دوم، تهران: نی.
- سیدمن، استیون (۱۳۹۳). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*، (ترجمه‌ی جلیلی، هادی)، چاپ هفتم، تهران: نی.
- صادقی فر، مهدی (۱۳۸۹). «عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش نوجوانان و جوانان پسر به بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن»، *فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم*، سال پنجم، شماره شانزدهم، ۸۶-۱۱۴.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۹۰). *آسیب‌شناسی اجتماعی-جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*، چاپ هفتم، تهران: سمت.
- عربی، علی (۱۳۹۵). *کاوش فرآیندهای اجتماعی اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان شهر کرج - به‌سوی یک نظریه زمینه‌ای*، رساله دکترا جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز.
- قاضی طباطبایی، محمود؛ سیفی، علیرضا؛ مشتاق، روشنگر (۱۳۹۱). «سهم ساختار و یادگیری اجتماعی در بزهکاری نوجوانان در شهر تهران (مورد مطالعه: پنج منطقه‌ی حاشیه‌نشین)»، *مقالات دومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران*، جلد ۴، ۱۹۳-۲۱۴.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۹۱). «بررسی نقش محرومیت نسبی در افزایش خشونت‌های شهری مناطق حاشیه‌نشین مورد مطالعه: شهر کرمانشاه»، *مطالعات شهری*، سال دوم، شماره ۳: ۶۴-۲۱.
- محسنی تبریزی، علی‌رضا؛ درویش ملا، محمدحسین (۱۳۸۷). «سنجش میزان احساس محرومیت نسبی و محرومیت نسبی در اکی نوجوانان (مورد مطالعه شهر تهران)»، *مطالعات جامعه‌شناختی*، شماره ۳۴، ۷۳-۹۸.
- مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۴). *ضرورت مبارزه با فقر و نابرابری در ایران*، چاپ اول، تهران: آگاه.

- مرادی، گلمراد؛ سعیدی پور، بهمن (۱۳۸۹). «بررسی نقش محرومیت نسبی در ایجاد رفتار جمعی جوانان شهر کرمانشاه بر اساس نظریه تعامل گرایی بلومر». *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال هفتم: شماره ۲، ۱۶۳-۱۹۱.
- مهدی پور خراسانی، ملیحه (۱۳۹۰). *مطالعه تطبیقی میزان سرمایه اجتماعی در بین افراد بزهکار و غیربزهکار شهر یزد*، پایان نامه ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد.
- Bernburg, J. G., Thorlindsson, T., Sigfusdottir, I. D. (2009). "Relative Deprivation and Adolescent Outcomes in Iceland: A Multilevel Test". *Social Forces*. 1-29.
- Chen, X. (2015). "Relative deprivation and individual well-being". *IZA World of Labor*, 1-10.
- Džuverovic, N. (2013). "Does more (or less) lead to violence? Application of the relative deprivation hypothesis on economic inequality induced conflicts". *CIRR XIX*, (68), 115-132.
- Gunnarsdottir, S., Hensing, G., Povlsen, L., Petzold, M. (2015). "Relative deprivation in the Nordic countries-child mental health problems in relation to parental financial stress European Journal of Public Health". *Oxford University Press*, 26, 2, 277-282.
- Horne, A. (2009). *The effect of relative deprivation on delinquency: an assessment of juveniles*. B. A. University of Central Florida. 1-36.
- Howard Brown, F. (2014). "Relative Deprivation, Opportunity and Crime: A Study of Young Men's Motivations for Committing Burglary". *London School of Economics and Political Science*. 1-481.
- Ige, K. (2014). *The Absolute-Relative Deprivation Dichotomy in Estimating Variations in Reaction to Inequality: Comparing Antecedents of Collective Action among Disadvantaged Groups*. University of Zululand P/B, 87-101.
- Matsueda, R., Grigoryeva, S. (2011). *Social Inequality, Crime, and Deviance*. University of Washington, 1-63.
- Siegel, Larry J. (2016). *Criminology: Theories, Patterns, and Typologies*, Wadsworth, Inc. web: <http://www.thomsonrights.com>.
- Villa, E., Salazar, A. (2013). "Poverty traps, economic inequality and incentives for delinquency", *Cuadernos de Economía*, 32(61), 753-786.
- Zelinsky, T. (2012). "Changes in Relative Material Deprivation in Regions of Slovakia and the Czech Republic". Department of Regional Science and Management Faculty of Economics Technical University Slovakia, *Panoeconomicus*, 3. 335-353.